



مرکز تحقیقات اسلامی

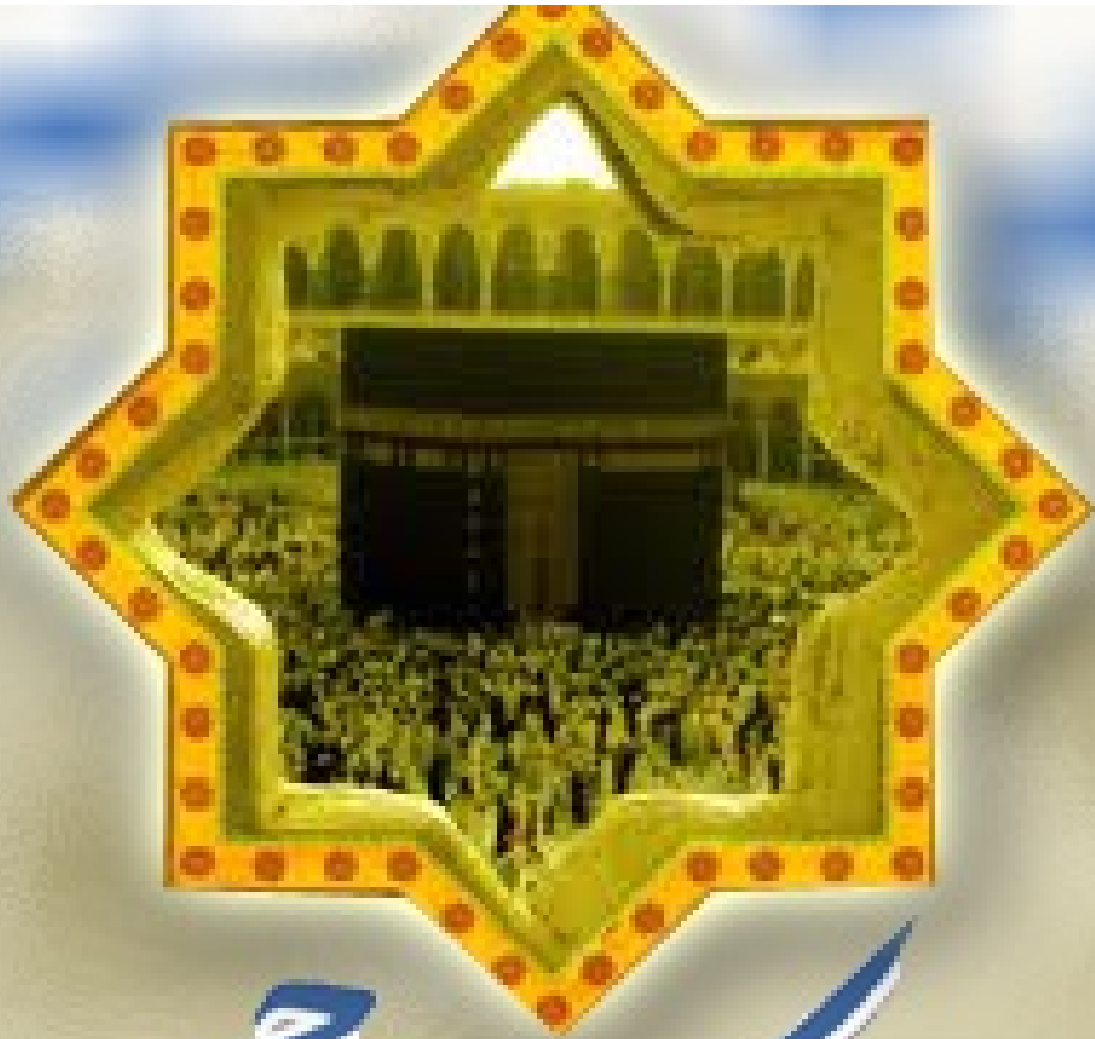
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# سنگ حج

آیت الله محقق کابلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مناسک حج آیت الله قربانعلی محقق کابلی

نویسنده:

قربان علی محقق کابلی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله قربانعلی محقق کابلی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۰	مناسک حج آیت الله قربانعلی محقق کابلی
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	مقدمه
۲۰	اقسام حج
۲۰	اجزاء عمره تمتع
۲۱	مسأله (۱)
۲۱	اجزاء حج تمتع
۲۱	مسأله (۲)
۲۱	اعمال عمره تمتع
۲۱	۱- احرام
۲۱	احکام میقاتها
۲۱	مسأله (۳)
۲۲	مسأله (۴)
۲۲	مسأله (۵)
۲۲	مسأله (۶)
۲۲	مسأله (۷)
۲۲	مسأله (۸)
۲۲	مسأله (۹)
۲۳	محل ذبح کفارہ محرّمات
۲۳	مسأله (۷۳)
۲۳	مسأله (۷۴)
۲۳	۲- طواف

- مسئله ۷۵) ..... ۲۳
- شرایط صحت طواف ..... ۲۳
- مسئله ۷۶) ..... ۲۳
- ۱- نیت ..... ۲۳
- اشاره ..... ۲۳
- مسئله ۷۷) ..... ۲۳
- ۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر ..... ۲۳
- اشاره ..... ۲۴
- مسئله ۷۸) ..... ۲۴
- مسئله ۷۹) ..... ۲۴
- مسئله ۸۰) ..... ۲۴
- مسئله ۸۱) ..... ۲۴
- مسئله ۸۲) ..... ۲۵
- مسئله ۸۳) ..... ۲۵
- مسئله ۸۴) ..... ۲۵
- مسئله ۸۵) ..... ۲۵
- مسئله ۸۶) ..... ۲۵
- مسئله ۸۷) ..... ۲۵
- مسئله ۸۸) ..... ۲۶
- مسئله ۸۹) ..... ۲۶
- مسئله ۹۰) ..... ۲۶
- مسئله ۹۱) ..... ۲۶
- مسئله ۹۲) ..... ۲۶
- مسئله ۹۳) ..... ۲۷

- ۲۷ ..... (مسأله ۹۴)
- ۲۷ ..... (مسأله ۹۵)
- ۲۷ ..... ۳- طهارت از خبث
- ۲۷ ..... (مسأله ۹۶)
- ۲۷ ..... (مسأله ۹۷)
- ۲۷ ..... (مسأله ۹۸)
- ۲۸ ..... (مسأله ۹۹)
- ۲۸ ..... (مسأله ۱۰۰)
- ۲۸ ..... (مسأله ۱۰۱)
- ۲۸ ..... (مسأله ۱۰۲)
- ۲۸ ..... ۴- ختنه برای مردان
- ۲۸ ..... (مسأله ۱۰۳)
- ۲۹ ..... (مسأله ۱۰۴)
- ۲۹ ..... (مسأله ۱۰۵)
- ۲۹ ..... واجبات طواف
- ۲۹ ..... (مسأله ۱۰۷) شش چیز در طواف واجب است:
- ۲۹ ..... ۱- از برابر حجر الاسود شروع کند
- ۲۹ ..... ۲- هر دور به حجر الاسود ختم کند
- ۲۹ ..... ۳- کعبه را در طرف چپ خود قرار دهد
- ۲۹ ..... اشاره
- ۲۹ ..... (مسأله ۱۰۸)
- ۳۰ ..... (مسأله ۱۰۹)
- ۳۰ ..... ۴- حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد
- ۳۰ ..... ۵- طواف باید بیرون از خانه کعبه باشد

- ۳۰ ..... ۶- هفت دور پی در پی باشد
- ۳۰ ..... احکام طواف
- ۳۰ ..... اشاره
- ۳۰ ..... مسأله (۱۱۰)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۱)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۲)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۳)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۴)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۵)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۶)
- ۳۱ ..... مسأله (۱۱۷)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۱۸)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۱۹)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۲۰)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۲۱)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۲۲)
- ۳۲ ..... شک در عدد دور ها (اشواط)
- ۳۲ ..... مسأله (۱۲۳)
- ۳۳ ..... مسأله (۱۲۴)
- ۳۳ ..... مسأله (۱۲۵)
- ۳۳ ..... مسأله (۱۲۶)
- ۳۳ ..... مسأله (۱۲۷)
- ۳۳ ..... ترک یا فراموش کردن طواف
- ۳۳ ..... مسأله (۱۲۸)



- مسأله ۱۲۹) ..... ۳۳
- مسأله ۱۳۰) ..... ۳۳
- مسأله ۱۳۱) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۲) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۳) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۴) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۵) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۶) هر گاه به جهت مرض یا شکستگی نتواند طواف را انجام دهد باید از دیگری کمک بگیرد اگر چه به سوار شدن بر دوش او باشد و اگر
- ۳- نماز طواف ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۷) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۸) ..... ۳۴
- مسأله ۱۳۹) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۰) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۱) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۲) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۳) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۴) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۵) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۶) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۷) ..... ۳۵
- مسأله ۱۴۸) ..... ۳۶
- ۴- سعی بین صفا و مروه ..... ۳۶
- مسأله ۱۴۹) ..... ۳۶
- مسأله ۱۵۰) ..... ۳۶

۳۶	مسأله (۱۵۱)
۳۶	مسأله (۱۵۲)
۳۶	مسأله (۱۵۳)
۳۶	مسأله (۱۵۴)
۳۷	مسأله (۱۵۵)
۳۷	مسأله (۱۵۶)
۳۷	مسأله (۱۵۸)
۳۷	مسأله (۱۵۸)
۳۷	مسأله (۱۵۹)
۳۷	مسأله (۱۶۰)
۳۷	مسأله (۱۶۱)
۳۷	مسأله (۱۶۲)
۳۸	مسأله (۱۶۳)
۳۸	مسأله (۱۶۴)
۳۸	مسأله (۱۶۵)
۳۸	مسأله (۱۶۶)
۳۸	مسأله (۱۶۷)
۳۸	مسأله (۱۶۸)
۳۸	مسأله (۱۶۹)
۳۹	شک در عدد اشواط سعی
۳۹	مسأله (۱۷۰)
۳۹	مسأله (۱۷۱)
۳۹	مسأله (۱۷۲)
۳۹	۵- تقصیر

۳۹	مسأله (۱۷۳)
۳۹	مسأله (۱۷۴)
۳۹	مسأله (۱۷۵)
۳۹	مسأله (۱۷۶)
۴۰	مسأله (۱۷۷)
۴۰	مسأله (۱۷۸)
۴۰	مسأله (۱۸۱)
۴۰	مسأله (۱۸۲)
۴۰	مسأله (۱۸۳)
۴۰	اعمال حج
۴۰	۱- احرام
۴۰	اشاره
۴۰	مسأله (۱۸۴)
۴۱	مسأله (۱۸۵)
۴۱	مسأله (۱۸۶)
۴۱	مسأله (۱۸۷)
۴۱	مسأله (۱۸۸)
۴۱	مسأله (۱۸۹)
۴۱	مسأله (۱۹۰)
۴۱	۲- وقوف در عرفات
۴۱	مسأله (۱۹۱)
۴۲	مسأله (۱۹۲)
۴۲	مسأله (۱۹۳)
۴۲	مسأله (۱۹۴)

- مسأله ۱۹۵) ..... ۴۲
- مسأله ۱۹۶) ..... ۴۲
- مسأله ۱۹۷) ..... ۴۲
- مسأله ۱۹۸) ..... ۴۲
- مسأله ۱۹۹) ..... ۴۲
- مسأله ۲۰۰) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۱) ..... ۴۳
- ۳- وقوف در مشعر الحرام ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۲) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۳) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۴) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۵) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۶) ..... ۴۳
- مسأله ۲۰۷) ..... ۴۴
- مسأله ۲۰۸) ..... ۴۴
- مسأله ۲۰۹) ..... ۴۴
- مسأله ۲۱۰) ..... ۴۴
- مسأله ۲۱۱) ..... ۴۴
- مسأله ۲۱۲) ..... ۴۴
- مسأله ۲۱۳) ..... ۴۴
- مسأله ۲۱۴) ..... ۴۵
- ۴- رمی جمره عقبه ..... ۴۵
- مسأله ۲۰۲) ..... ۴۵
- مسأله ۲۰۳) ..... ۴۵

۴۵	مسأله ۲۰۴
۴۶	مسأله ۲۰۵
۴۶	مسأله ۲۰۶
۴۶	مسأله ۲۰۷
۴۶	مسأله ۲۰۸
۴۶	مسأله ۲۰۹
۴۶	مسأله ۲۱۰
۴۶	مسأله ۲۱۱
۴۷	مسأله ۲۱۲
۴۷	مسأله ۲۱۳
۴۷	مسأله ۲۱۴
۴۷	۵- ذبح و نحر در منی
۴۷	مسأله ۲۲۶
۴۸	مسأله ۲۲۷
۴۸	مسأله ۲۲۸
۴۸	مسأله ۲۲۹
۴۸	مسأله ۲۳۰
۴۹	مسأله ۲۳۸
۴۹	مسأله ۲۳۹ هر گاه قربانی را به عقیده اینکه چاق است ذبح نماید و بعد از آن معلوم شود که لاغر بوده کافی است و لازم نیست که قربانی چاق د؛
۴۹	مسأله ۲۴۰
۴۹	مسأله ۲۴۱
۴۹	مسأله ۲۴۲
۴۹	مسأله ۲۴۳
۴۹	مسأله ۲۴۴

مسأله ۲۴۵	۴۹
مسأله ۲۴۶	۵۰
مسأله ۲۴۷	۵۰
مسأله ۲۴۸	۵۰
مسأله ۲۴۹	۵۰
مسأله ۲۵۰	۵۰
مسأله ۲۵۱	۵۰
مسأله ۲۵۲	۵۰
مسأله ۲۵۳	۵۱
مسأله ۲۵۴	۵۱
مسأله ۲۵۵	۵۱
مسأله ۲۵۶	۵۱
مصرف قربانی	۵۱
مسأله ۲۵۷	۵۱
مسأله ۲۵۸	۵۱
مسأله ۲۵۹	۵۱
مسأله ۲۶۰	۵۱
مسأله ۲۶۱	۵۲
مسأله ۲۶۲	۵۲
۶- حلق یا تقصیر	۵۲
مسأله ۲۶۳	۵۲
مسأله ۲۶۴	۵۲
مسأله ۲۶۵	۵۲
مسأله ۲۶۶	۵۲

- مسأله ۲۶۷ ..... ۵۲
- مسأله ۲۶۸ ..... ۵۳
- مسأله ۲۶۹ ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۰ ..... ۵۳
- ۷.۸.۹- طواف حج و نماز طواف وسعی ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۲ ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۳ ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۵) پیش انداختن طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جائز نیست، مگر برای پیران و یا زنی که بیم حیض شدن دارد و یا مر ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۶ ..... ۵۳
- مسأله ۲۷۷ ..... ۵۴
- مسأله ۲۷۸ ..... ۵۴
- مسأله ۲۷۹ ..... ۵۴
- مسأله ۲۸۰ ..... ۵۴
- ۱۰ . ۱۱- طواف نساء و نماز آن ..... ۵۴
- مسأله ۲۸۱ ..... ۵۴
- مسأله ۲۸۲ ..... ۵۴
- مسأله ۲۸۳ ..... ۵۴
- مسأله ۲۸۴ ..... ۵۵
- مسأله ۲۸۵ ..... ۵۵
- مسأله ۲۸۶ ..... ۵۵
- مسأله ۲۸۷ ..... ۵۵
- مسأله ۲۸۸ ..... ۵۵
- مسأله ۲۸۹ ..... ۵۵
- مسأله ۲۹۰ ..... ۵۵

۵۵	مسأله ۲۹۱
۵۶	مسأله ۲۹۲
۵۶	۱۲- بیتوته در منی
۵۶	مسأله ۲۹۳
۵۶	مسأله ۲۹۴
۵۶	مسأله ۲۹۵
۵۶	مسأله ۲۹۶
۵۶	مسأله ۲۹۷
۵۷	مسأله ۲۹۸
۵۷	مسأله ۲۹۹
۵۷	مسأله ۳۰۰
۵۷	۱۳- رمی جمرات
۵۷	مسأله ۳۰۱
۵۷	مسأله ۳۰۲
۵۷	مسأله ۳۰۳
۵۸	مسأله ۳۰۴
۵۸	مسأله ۳۰۵
۵۸	مسأله ۳۰۶
۵۸	مسأله ۳۰۷
۵۸	مسأله ۳۰۸
۵۸	مسأله ۳۰۹
۵۸	احکام مصدود
۵۸	مسأله ۳۱۰
۵۹	مسأله ۳۱۱



۵۹	مسأله ۳۱۲
۵۹	مسأله ۳۱۳
۵۹	مسأله ۳۱۴
۵۹	مسأله ۳۱۵
۵۹	مسأله ۳۱۶
۵۹	مسأله ۳۱۷
۶۰	مسأله ۳۱۸
۶۰	مسأله ۳۱۹
۶۰	مسأله ۳۲۰
۶۰	مسأله ۳۲۱
۶۰	احکام محصور
۶۰	مسأله ۳۲۲
۶۰	مسأله ۲۲۳
۶۰	مسأله ۳۲۴
۶۱	مسأله ۳۲۵
۶۱	مسأله ۳۲۶
۶۱	مسأله ۳۲۷
۶۱	مسأله ۳۲۸
۶۱	مسأله ۳۲۹
۶۱	مسأله ۳۳۰
۶۱	مسأله ۳۳۱
۶۲	مسأله ۳۳۲
۶۲	مسأله ۳۳۳
۶۲	مسأله ۳۳۴

۶۲	مسأله ۳۳۵
۶۲	مسأله ۳۳۶
۶۲	مسائل متفرقه
۶۲	مسأله ۳۳۷
۶۳	مسأله ۳۳۸
۶۳	مسأله ۳۳۹
۶۳	مسأله ۳۴۰
۶۳	مسأله ۳۴۱
۶۳	مسأله ۳۴۲
۶۳	مسأله ۳۴۳
۶۳	مستحبات سفر
۶۴	مستحبات احرام
۶۴	مکروهات احرام
۶۵	مستحبات دخول حرم
۶۵	مستحبات دخول مکه معظمه
۶۵	آداب مسجد الحرام و مکه معظمه
۶۷	آداب و مستحبات طواف
۶۸	مستحبات نماز طواف
۶۹	مستحبات احرام تا وقوف بعرفات
۶۹	مستحبات وقوف به عرفات
۷۱	مستحبات وقوف بمزدلفه
۷۲	مستحبات رمی جمرات
۷۲	مستحبات هدی (قربانی کردن)
۷۳	مستحبات حلق

۷۳	..... مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
۷۳	..... مستحبات منی
۷۴	..... مستحبات دیگر مکه معظمه
۷۴	..... طواف وداع
۷۵	..... زیارت رسول اکرم بعد از حج
۷۵	..... زیارت حضرت رسول اکرم (ص)
۷۵	..... زیارت حضرت صدیقه (ع)
۷۵	..... زیارت جامع که هر یک از ائمه (علیهم اسلام) به آن زیارت میشود
۷۵	..... دعاء الحسین (ع) یوم عرفه
۸۱	..... دعاء علی بن الحسین (ع) ( در صحیفه سجادیه) در روز عرفه
۸۴	..... دعاء الحسین (ع) یوم عرفه
۹۰	..... استفتائات جدید در مناسک حج (۱)
۹۴	..... استفتائات جدید در مناسک حج (۲)
۹۸	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مناسک حج آیت الله قربانعلی محقق کابلی

### مشخصات کتاب

سرشناسه : محقق کابلی، قربانعلی، ۱۳۰۷-  
 عنوان و نام پدید آور : مناسک حج / مطابق با فتاوی قربانعلی محقق کابلی.  
 مشخصات نشر : قم: دفتر آیت الله قربانعلی محقق کابلی، ۱۳۷۳.  
 مشخصات ظاهری : [۲۱۶] ص.  
 شابک : ۱۰۰۰ ریال ؛ ۱۰۰۰ ریال ( چاپ دوم )  
 یادداشت : چاپ دوم: زمستان ۱۳۷۶.  
 موضوع : حج  
 موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه  
 موضوع : Islamic Law, Jafari -- Handbook, manual, etc.\*  
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸ / م۳ ۸ ۱۳۷۳  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷  
 شماره کتابشناسی ملی : م ۷۴-۵۸۲  
 برگرفته از :

<http://www.mohaqq.org/fa/library/readbook۱۶>

### مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين محمد (ص) وآله الطاهرين.

قال الله تبارك و تعالی: و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا.

هر کسی که قدرت و توان رفتن به مکه معظمه را داشته باشد به امر خداوند تبارك و تعالی حج بيت الله الحرام بر او واجب است

### اقسام حج

حج بر سه قسم است: حج قرآن، حج افراد، حج تمتع.

حج قرآن و افراد فریضه کسانی است که در مکه و اطراف آن باشد تا حدود ۱۶ فرسخ و کسانی که بیش از ۱۶ فرسخ از مسجد

الحرام دور باشند فریضه شان حج تمتع می باشد.

چون خوانندگان این مناسک فریضه شان تمتع است ما فقط به بیان حج تمتع می پردازیم و آن مرکب از دو عمل است: اول عمره،

دوم حج

### اجزاء عمره تمتع

**مسأله (۱)**

عمره تمتع پنج جزء دارد:

- ۱- احرام
- ۲- طواف
- ۳- نماز طواف
- ۴- سعی بین صفا و مروه
- ۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مقداری مو یا ناخن

**اجزاء حج تمتع****مسأله (۲)**

حج تمتع ۱۴ جزء دارد:

- ۱- احرام بستن در مکه معظمه
- ۲- وقوف در عرفات
- ۳- وقوف در مشعر الحرام
- ۴- رمی جمره عقبه در منی
- ۵- قربانی کردن در منی
- ۶- تراشیدن سر در منی
- ۷- طواف زیارت
- ۸- دو رکعت نماز طواف
- ۹- سعی بین صفا و مروه
- ۱۰- طواف نساء
- ۱۱- دو رکعت نماز طواف
- ۱۲- ماندن در منی شب یازدهم
- ۱۳- رمی جمره های سه گانه روز یازدهم
- ۱۴- رمی جمره های روز دوازدهم

**اعمال عمره تمتع****۱- احرام****احکام میقاتها****مسأله (۳)**

کسانی که جهت انجام دادن حج تمتع عازم شده اند باید در یکی از میقاتهای پنج گانه احرام ببندند:

- ۱ - مسجد شجره، برای کسانی که از مدینه عازم شده اند
- ۲ - جحفه، برای کسانی که با هوا پیما به جده می روند و اهالی شام
- ۳ - قرن المنازل، برای کسانی که از طائف عازم شده اند
- ۴ - وادی عقیق، برای اهل عراق
- ۵ - یلملم، برای کسانی که از یمن عازم شده اند.

#### مسئله (۴)

کسانی که با هوا پیما وارد جده می شوند اگر وقت زیاد باشد به مدینه منوره می روند جهت زیارت حضرت رسول (ص) و زیارت ائمه بقیع (ع) و از آنجا که عازم مکه می شوند باید درمسجد شجره احرام ببندند یعنی لباسهای دوخته را از بدن بیرون می آورند و دو قطعه پارچه سفید می پوشند و بنا بر احتیاط زنها بادو قطعه لباس سفید اگر چه دوخته باشد خود را محرم نمایند و مستحب است برای مرد و زن که پیش از احرام بستن غسل نمایند.

#### مسئله (۵)

اگر وقت تا روز عرفه کم باشد حجّاجی که به جده آمده اند باید به جحفه بروند و در آنجا احرام ببندند.

#### مسئله (۶)

کسانی که از طائف عازم مکه شده اند باید در قرن المنازل احرام ببندند.

#### مسئله (۷)

در هر یک از مواقیت که باشد، بعد از پوشیدن دو پارچه لباس احرام، نیت می کند: احرام می بندم از جهت عمره تمتع از فرض حجّه الاسلام قربه الی الله. بعد بلا فاصله می گوید:  
لَّيْكَ اللَّهُمَّ لَيْيَكُ، لَيْيَكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْيَكُ ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْيَكُ.

#### مسئله (۸)

اگر انسان نایب از کسی شده باشد چنین نیت می کند: احرام می بندم به نیابت از فلان از جهت عمره تمتع از فرض حجّه الاسلام قربه الی الله) و به جای فلان نام شخص را بگویند. (و اگر حج تمتع استجابی باشد می گویند: احرام می بندم از جهت عمره تمتع از حج تمتع قربه الی الله.

#### مسئله (۹)

زن اگر حائض باشد و در مسجد شجره یا مسجد جحفه از دحام زیاد نباشد در حال عبور از مسجد احرام ببندد و اگر از دحام زیاد

باشد و عبور از مسجد بدون مکث ممکن نباشد از پهلوی مسجد در حالی که شانه اش به طرف مسجد باشد احرام ببندد

### محل ذبح کفاره محرّمات

#### مسأله (۷۳)

اگر شخص محرم به احرام عمره، مرتکب شکار شود، کفاره آن را در مکه معظمه نحر یا ذبح نماید، و احوط این است که کفاره غیر شکار را نیز، در مکه معظمه انجام دهد.

#### مسأله (۷۴)

اگر محرم به احرام حج، مرتکب شکار شود ذبح یا نحر را باید در منی انجام دهد، و احوط این است که کفاره غیر صید را نیز، در منی انجام دهد.

### ۲- طواف

#### مسأله (۷۵)

حجاج بعد از وارد شدن به مکه معظمه، باید به دور خانه کعبه ۷ شوط طواف کنند.

### شرایط صحت طواف

#### مسأله (۷۶)

در صحت طواف پنج چیز شرط است:

#### ۱- نیت

#### اشاره

(۱) نیت و طواف بدون قصد قربت باطل است، و بهتر است این طور نیت کند:  
"هفت شوط دور خانه کعبه طواف می کنم از جهت عمره تمتّع از فرض حجّه الاسلام قربه الی الله"

#### مسأله (۷۷)

اگر در طواف یا بقیه اعمال حج و عمره و قصد قربت نداشته باشد، باطل است چه قصد ریا کند یا قصد ورزش و امثال آن.

### ۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر

**اشاره**

۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر پس هر گاه بدون طهارت طواف کند باطل است چه اینکه عمداً باشد یا از نادانی و یا از جهت فراموشی.

**مسئله ۷۸**

اگر وضو گرفته باشد و شك کند حدثی از او سرزده است یا نه حکم به بقاء طهارت اومی شود و اگر حدثی از او سرزده باشد و شك کند آیا بعد از آن وضو گرفته یا نه حکم می شود طهارت ندارد و باید وضو بگیرد.

**مسئله ۷۹**

اگر عمداً طواف را ترک کند، چه جاهل به حکم باشد یا موضوع عمره باطل می شود و بطلان عمره تمتع وقتی موجب بطلان حج تمتع می شود و بطلان عمره تمتع وقتی تحقق پیدا می کند که اگر آن را انجام دهد وقت وقوف در عرفات فوت می شود و در این صورت باید عدول به حج افراد کند، و حج تمتع را در سال آینده بجا آورد.

**مسئله ۸۰**

هر گاه طواف را از روی فراموشی ترک کند چند صورت دارد:

- ۱ - اینکه وقتی متوجه شود که وقت برای طواف باقی این صورت باید اول طواف را انجام دهد و بعد از نماز طواف احتیاطاً سعی را هم اعاده کند.
- ۲ - وقتی متوجه شود که وقوفین را انجام داده باشد و در این صورت باید اول قضاء طواف عمره را انجام دهد و بعد از آن طواف حج را انجام دهد.
- ۳ - وقتی یادش بیاید که از مکه خارج شده باشد و یک ماه یا بیشتر گذشته باشد و برایش برگشتن به مکه ممکن باشد در این صورت باید احرام ببندد و بیاید طواف را قضاء کند و احتیاطاً سعی را نیز انجام دهد.
- ۴ - وقتی متوجه شود که به وطن خویش برگشته است در این صورت اگر با همسر خود نزدیکی کرده باشد شخصی را نایب بگیرد و یک گوسفند کفاره دهد و آن را در مکه ذبح کند و طواف نایب کافی است و احوط این است که نایب بعد از طواف سعی را نیز به نیابت انجام دهد، و اگر با همسر خود نزدیکی نکرده باشد نایب برای طواف بگیرد و کفاره لازم نیست.

**مسئله ۸۱**

هر گاه در هنگام طواف از محرم حدثی سرزند چند صورت دارد:

- ۱ - آنکه حدث بعد از شوط چهارم بدون اختیار صادر شود، در این صورت طواف را قطع می کند و بعد از تحصیل طهارت، از



همانجا که قطع نموده، تمام می کند و طوافش صحیح است.

۲- آنکه صدور حدث پیش از رسیدن به نصف باشد که در این صورت، طواف باطل است و بعد از تحصیل طهارت، طواف را از اول شروع می کند.

۳- آنکه حدث بعد از نصف و پیش از تمام نمودن شوط چهارم باشد و یا بعد از تمام نمودن شوط چهارم و اختیاری باشد، مقتضای احتیاط در این دو صورت این است که، بعد از تحصیل طهارت طواف خود را از جایی که قطع کرده تمام کند و بعد از آن، طواف را اعاده کند.

### مسئله ۸۲

در صورت سوم می تواند یک طواف کامل انجام دهد به قصد ما فی الذمه، به این معنی که اگر در ذمه اش طواف کامل است به این طواف ذمه اش فارق شود و اگر در ذمه اش اتمام طواف سابق است، آن طواف کامل شود و زیادتى بر آن لغو باشد.

### مسئله ۸۳

هر گاه بعد از طواف شك کند که طواف را با طهارت انجام داده یا بدون طهارت، به شك خود اعتنا نکند، اگر چه احوط اعاده طواف است، ولی برای نماز طواف حتماً تحصیل طهارت بنماید.

### مسئله ۸۴

هر گاه مکلف نتواند تحصیل طهارت بواسطه آب نماید، مثلاً اینکه استعمال آب برایش ضرر داشته باشد، باید تیمم نماید و طواف را انجام دهد، و اگر قادر به تیمم کردن هم نباشد، باید نائِب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف را بدون طهارت انجام دهد.

### مسئله ۸۵

اگر مرد جنب باشد یا زن حیض و نفاس پاک شده باشد، باید غسل کنند و طواف را انجام دهند و اگر غسل ضرر داشته باشد یا از جهات دیگر غسل نتوانند باید با تیمم طواف کنند و احتیاطاً نائِب هم بگیرند، و اگر تیمم هم نتوانند، نائِب گرفتن متعین است.

### مسئله ۸۶

هر گاه زن هنگام بستن احرام، برای عمره تمتع، یا پس از بستن احرام حیض ببیند و وقت باقی باشد که بعد از پاک شدن و غسل نمودن، اعمال عمره را انجام دهد، باید صبر کند تا بعد از غسل اعمال را انجام دهد.

### مسئله ۸۷

هر گاه پیش از بستن احرام، حیض ببیند و بداند که قبل از روز نهم پاک نمی شود، در این صورت حج تمتعش به حج افراد بدل می شود و واجب است بعد از اعمال حج، عمره مفرده را انجام دهد، و همچنین اگر بعد از بستن احرام، خون ببیند و بداند که پیش از روز نهم پاک نمی شود، باید اول حج افراد را بجا آورد و بعد از آن عمره مفرده را انجام دهد.

### مسئله ۸۸

اگر زن در حین طواف حیض شود، مشهور بین فقهاء این است که اگر حیض شده پیش از گذشتن از نصف طواف باشد، طوافش باطل میشود، و چنانچه بعد از گذشتن از نصف طواف باشد، آنچه بجا آورده صحیح است، و واجب است بعد از پاکی و غسل نمودن، باقیمانده را بجا آورد، ولی احوط در هر دو صورت این است که بعد از پاک شدن، یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد، به این معنی که چنین نیت کند که اگر یک طواف کامل بر من واجب است، که این طواف است، و اگر بجا آورند کمبود طواف سابق بر من واجب است، هر مقداری که از این طواف کمبود طواف سابق را تکمیل می کند، بکند و باقی مانده زیادی باشد، البته این در صورتی است که وقت گنجایش این کار را داشته باشد، و در غیر این صورت سعی و تقصیر نموده و برای حج محرم شود و لازم است پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج قضا طواف عمره را به نحوی که گفته شد بجا آورد.

### مسئله ۸۹

هر گاه زن بعد از طواف و پیش از نماز آن یعنی بین طواف و نمازش حیض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و غسل و غسل بجا آورد، ولی اگر وقت نداشت و سعی و تقصیر را بجا آورده و نماز طواف را پیش از طواف حج قضاء نماید.

### مسئله ۹۰

هر گاه زنی بعد از طواف و نمازش احساس کند که حائض شده و نداند که اول آمدن خون پیش از طواف و یا پیش از نماز طواف و یا بعد از نماز بوده طواف و نمازش صحیح می باشد و اگر بداند که پیش از نماز بوده و وقت تنگ باشد سعی و تقصیر نماید و نماز طواف را تا پس از پاکی به تأخیر اندازد عمره اش صحیح است.

### مسئله ۹۱

هر گاه زنی به مکه برسد و بتواند اعمال عمره را بجای آورد ولی با علم و عمد بجا نیآورد و حیض شود و وقت هم تنگ باشد ظاهراً عمره اش فاسد است و احتیاط این است که عدول به حج افراد کند و حجه الاسلام را که به ذمه اش باشد در سال آینده انجام دهد.

### مسئله ۹۲

طواف مستحبی را می‌تواند بدون طهارت انجام داد و طهارت در آن شرط نیست ولی نماز مستحبی بدون طهارت باطل است مثل نماز طواف واجب.

### مسئله ۹۳

کسی که وضوء یا غسل جبیره انجام دهد میتواند طواف کند و طوافش صحیح است و همچنین کسی که وظیفه اش تیمم باشد طوافش با تیمم صحیح است و میتواند نماز طواف را خودش بخواند و هم نایب بگیرد.

### مسئله ۹۴

کسی که اسهال باشد مقتضای احتیاط واجب این است که خودش طبق وظیفه خویش تحصیل طهارت کند و طواف نماید و نایب بگیرد و نماز طواف را هم خودش بخواند و هم نایب بگیرد.

### مسئله ۹۵

زنی که مستحاضه به استحاضه قلیله باشد برای هر کدام از طواف و نماز طواف جداگانه وضو بگیرد و اگر استحاضه متوسطه باشد یک غسل می‌کند و باری هر کدام از طواف و نماز طواف وضوء جداگانه می‌گیرد. اگر استحاضه اش کثیره باشد باید برای هر کدام از طواف و نماز طواف غسل کند و وضو بگیرد.

### ۳- طهارت از خبث

### مسئله ۹۶

شرط سوم از شرائط طواف، طهارت از خبث می‌باشد یعنی طواف باید با بدن و لباس طاهر صورت بگیرد و اگر بدن یا لباس نجس باشد بنا بر احتیاط طواف باطل است.

### مسئله ۹۷

اگر خون کمتر از درهم باشد در نماز بخشوده است ولی بنا بر احتیاط در طواف بخشوده نیست.

### مسئله ۹۸

خون و خونابه زخم و دمل که اجتناب از آن سخت باشد و مشقت داشته باشد در طواف چه در بدن باشد یا لباس، مانعی ندارد.

همچنین حمل متنجس در طواف مانعی ندارد و هر چیزی که در نماز ساتر نیست مثل همیان و کلاه و جوراب نجس در طواف اشکالی ندارد.

#### مسئله ۹۹)

هرگاه طواف کننده، نجاست لباس یا بدن را نداند و بعد از فراغ از طواف، بداند که در هنگام طواف بدن یا لباسش نجس بوده طوافش صحیح است، و همچنین در نماز طواف هرگاه نجاست را پیش از فراغ از نماز نداند، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۰۰)

هرگاه نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و طواف نماید و بعد از طوافش یادش بیاید، طوافش صحیح است، ولی احتیاط استجابی در اعاده طواف است

#### مسئله ۱۰۱)

هرگاه نجاست را فراموش کند و بعد از نماز طواف یادش بیاید، باید نماز طواف را اعاده کند.

#### مسئله ۱۰۲)

هرگاه نجاست بدن یا لباس را نمی دانسته و در حین طواف متوجه آن شود و یا اینکه نجاست در حین طواف به لباس یا بدنش برسد، اگر جامه پاک همراه داشته باشد فوراً آن را عوض کند و طواف را به اتمام رساند و اگر جامه پاک همراه نداشته باشد و این اتفاق بعد از اتمام شوط چهارم باشد، طواف را قطع نموده و بعد از ازاله نجاست باقیمانده طواف را انجام دهد، و اگر علم به نجاست یا حدوثش پیش از اتمام شوط چهارم باشد، باید باز هم طواف را قطع کند و نجاست را ازاله نماید، و بنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد تام یا اتمام انجام دهد. به این معنا که اگر وظیفه اش طواف کامل باشد این طواف کامل، و اگر وظیفه اش اتمام طواف سابق باشد، چند شوط این طواف، متمم آن و بقیه زائد و لغو باشد.

#### ۴- ختنه برای مردان

#### مسئله ۱۰۳)

در طواف برای مردان، مختون بودن شرط است بلکه طفل ممیز اگر احرام را خودش انجام دهد باید مختون باشد، و اگر ممیز نباشد یا احرامش را ولی انجام دهد اعتبار ختنان در او ثابت نیست، اگر چه احوط است.

**مسئله (۱۰۴)**

هرگاه محرم ختنه نشده بالغ یا طفل ممیز باشد و طواف نماید طوافش باطل است، و اگر طواف را ختنه شده اعاده نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد و احکام آینده بر او جاری خواهد شد.

**مسئله (۱۰۵)**

هرگاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود واجب است اول خود را ختنه کند و بعد به حج برود، و اگر جمع بین هردو در یک سال ممکن نباشد، اگر چه از جهت ضیق وقت باشد باید خود را ختنه کند و حج را در سال آینده انجام دهد، و اگر ختنه کردن برای او مشقت یا ضرر کلی داشته باشد باید حج را بجا آورد ولی احتیاط این است که عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف نائب هم بگیرد ولی نماز طواف را خودش انجام دهد و احتیاط استجابی این است که نماز طواف را نائب نیز بخواند.

**واجبات طواف****مسئله (۱۰۷) شش چیز در طواف واجب است:****۱- از برابر حجر الاسود شروع کند**

۱- آنکه از محاذی حجر الاسود شروع کند، و احوط و اولی این است که تمام بدن خود را به تمام حجر الاسود بگذارند، و برای این احتیاط همین مقدار کفایت می کند که قبل از حجر الاسود بایستند و نیت نماید که طواف را از جایی که محاذی واقعی حجر الاسود می باشد، بجا می آورم و زیاده بر آن مقدمه علمیه باشد، به این معنی که وقتی از جلوتر شروع کرد علم پیدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجر الاسود محاذی و برابر شده است.

**۲- هر دور به حجر الاسود ختم کند**

۲- هر شرط و دوری به حجر الاسود ختم شود در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر الاسود بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه حساب کند.

**۳- کعبه را در طرف چپ خود قرار دهد****اشاره**

۳- آنکه کعبه را در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قرار دهد، و ظاهر این است که میزان در قادر دادن کعبه طرف چپ صدق عرفی است و از طواف نمودن پیغمبر اکرم (ص) سواره این مطلب به خوبی آشکار می شود.

**مسئله (۱۰۸)**

در عصر حاضر که به جهت کثرت حجاج، در طواف از دحام زیاد است حاجی باید در هنگام طواف از بوسیدن ارکان یا خانه کعبه صرف نظر کند زیرا در وقت بوسیدن رو به کعبه می شود و اگر به همان حالت، مقداری از طوافش واقع شود طوافش باطل می شود و بوسیدن مستحب، سبب بطلان طواف می شود.

### مسئله ۱۰۹

حاجی در هنگام مسیری را اختیار کند که اختیار خود حرکت نماید و اگر با فشار جمعیت اختیار از او سلب شود و رفتنش به اراده خودش نباشد طوافش باطل می شود

### ۴- حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد

۴- آنکه حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنی که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نشود.

### ۵- طواف باید بیرون از خانه کعبه باشد

۵- آنکه طواف کننده از بیرون دور خانه خدا طواف کند نه درون خانه خدا و دور تا دور خانه خدا بطور شیب بنائی که به آن شاذروان می گویند طواف کننده نباید روی آن راه برود و اگر روی آن راه برود طوافش باطل است.

### ۶- هفت دور پی در پی باشد

۶- آنکه هفت دور متوالی پی در پی دور خانه خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست و عمداً هم اگر بیش از هفت دور طواف کند، طوافش باطل است. چنانچه خواهد آمد

## احکام طواف

### اشاره

۶- آنکه هفت دور متوالی پی در پی دور خانه خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست و عمداً هم اگر بیش از هفت دور طواف کند، طوافش باطل است. چنانچه خواهد آمد.

### مسئله ۱۱۰

مشهور بین فقها این است که طواف باید بین مقام ابراهیم (ع) و خانه خدا باشد یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود و مسافت آن بیست و شش و نیم تقدیر شده است و نظر به این اینکه حجر اسماعیل داخل مطاف است و خود بیست ذراع می باشد پس در طرف آن بیش از شش و نیم ذراع نباید دور شود.

اشکالی نیست که عمل به قول مشهور موافق احتیاط می باشد و در حال اختیار مراعات شود ولی اگر از دحام زیاد باشد که طواف

در محدوده مذکور در معرض این باشد که حرکت و دور زدن اختیاری از انسان سلب شود طواف کردن از خارج محدوده جائز بلکه متعین است

#### مسأله (۱۱۱)

هرگاه طواف کننده از مطاف بیرون رفته و وارد کعبه شود طوافش باطل و اعاده آن لازم است ولی اگر این کار بعد از تجاوز نصف طواف باشد بهتر است طولف را تمام کند سپس اعاده نماید.

#### مسأله (۱۱۲)

اگر هنگام طواف روی شاذروان رفت، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط این است که آن مقدار را که روی شاذروان رفته اعاده کند و طواف را تمام نماید و بعد اصل طواف را اعاده کند و احتیاط این است که هنگام طواف دست خود را در طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز نماید.

#### مسأله (۱۱۳)

هرگاه طواف کننده به حجر اسماعیل برود شوطی که رفتن در جر در آن بوده باطل و لازم است اعاده شود و بهتر این است که طواف را تمام نموده سپس اعاده کند و بنا بر احتیاط بالا رفتن بر دیوار حجر در حکم رفتن در حجر است، و احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر نگذارد.

#### مسأله (۱۱۴)

هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، از مطاف بدون عذر خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و اگر موالات فوت نشود یا خروج بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

#### مسأله (۱۱۵)

اگر در اثناء طواف حدثی از سر زند جائز است بیرون رود و تطهیر نموده بر گردد و طواف خود را تمام کند همچنان که گذشت و همچنین است بیرون رفتن برای تطهیر بدن یا لباس.

#### مسأله (۱۱۶)

اگر زنی هنگام طواف حیض شود واجب است طواف را قطع نموده فوراً از مسجد خارج شود و حکم او در مسأله " ۸۸ " گذشت.

#### مسأله (۱۱۷)

اگر طواف کننده جهت حدوث مرض مثل در دل و درد سر و مانند آن ناچار از مطاف خارج شود، اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده لازم است. و اگر بعد از آن بوده احتیاط اینست که برای اتمام آن نایب بگیرد و بعد از زوال عذر، باقیمانده را انجام دهد و اصل طواف را اعاده کند.

### مسئله ۱۱۸

طواف کننده می تواند جهت عیادت مریض یا حاجت خصوصی خودش یا برآوردن حاجت برادر مؤمن خود از مطاف بیرون رود، ولی اگر یک یا دو شوط طواف واجب را انجام داده باشد، بعد از برگشتن باید طواف را اعاده کند، و اگر بیرون رفتنش بعد از شوط سوم باشد احتیاط این است که یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

### مسئله ۱۱۹

نشستن هنگام طواف جهت استراحت و رفع خستگی جائز است ولی باید به اندازه ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود که در این صورت طوافش باطل شده باید از سر بگیرد.

### مسئله ۱۲۰

اگر مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد، و از مطاف بیرون نرفته باشد فرموش شده یک شوط باشد، یک شوط را بجا آورد و طوافش صحیح است.

### مسئله ۱۲۱

اگر یک شوط را فراموش کند و یادش نیاید، تا اینکه به وطن مراجعه کند و سپس یادش بیاید باید شخصی را نایب بگیرد که آنرا به نیابت او انجام دهد، و اگر فراموش شده دو یا سه شوط باشد باید برگردد و شخصاً انجام دهد و احوط این است که بعد از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز احتیاطاً بخواند.

### مسئله ۱۲۲

اگر طواف خود را از روی سهو، بیشتر از هفت شوط بنماید پس اگر زیادی کمتر از یک شوط باشد، آن را رها کند و نماز طواف را بخواند طوافش صحیح است و اگر زیادی یک شوط یا دو شوط باشد، احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد قربت مطلقه انجام دهد و چهار رکعت نماز طواف را نیز به قصد قربت مطلقه بخواند.

### شک در عدد دور ها (اشواط)

### مسئله ۱۲۳

هرگاه بعد از اتمام و تجاوز از محل شک کند که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده اعتنا به شک خود ننماید مثلاً اینکه بعد



از داخل شدن به نماز طواف شک کند که هفت شوط گردش نموده یا شش شوط یا هشت شوط به آن اعتنا نکند.

#### مسئله ۱۲۴)

هرگاه برابر حجرالاسود برسد و شک کند که همین شوط هفتم بود یا هشتم بنا بر هفت بگذارد و طوافش صحیح است.

#### مسئله ۱۲۵)

در غیر شک بین ۷ و ۸ که بیان شد طواف فریضه شک بردار نیست. پس اگر انسان در عدد شوطها شک کند طوافش باطل است و باید آن را از اول اعاده کند، ولی در شک بین ۷ و ۸ پیش از رسیدن به حجرالاسود در شوط اخیر مقتضای احتیاط اتمام آن و اعاده اصل طواف است.

#### مسئله ۱۲۶)

طواف کننده میتواند بر رفیق و همراه خود در حفظ شماره شوط اعتماد کند در صورتیکه رفیق او یقین به عدد اشواط داشته باشد مثلاً اگر رفیق می گوید این شوط ششم است یک شوط دیگر طواف می کند و طوافش صحیح است

#### مسئله ۱۲۷)

هرگاه در طواف مستحبی شک کند بنا بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است

#### ترک یا فراموش کردن طواف

#### مسئله ۱۲۸)

هرگاه طواف عمره تمتع را عمدا ترک کند چه اینکه علم به وجوب آن داشته یا نداشته باشد و قبل از وقوف عرفات تدارک نتواند، عمره اش باطل می شود و واجب است حج تمتع را در سال آینده انجام دهد.

#### مسئله ۱۲۹)

اگر طواف را عمدا ترک کند عمره اش باطل می شود و احرامش نیز محکوم به بطلان است ولی احتیاط این است که عدول به حج افراد نماید و اعمالش را تمام کند.

#### مسئله ۱۳۰)

هرگاه طواف حج را عمدا ترک کند حجش باطل می شود و باید حج را در سال آینده بجا آورد و اگر ترک آن از جهت جهل به حکم باشد یک شتر کفاره هم بدهد.

**مسأله (۱۳۱)**

هرگاه از روی فراموشی طواف را ترک کند بعد از آنکه یادش آمد باید تدارک کند و اگر وقتش گذشته باشد باید قضا نماید و حجّش محکوم به صحت می باشد و احتیاط اینست که بعد از قضا نمودن طواف، سعی را نیز بجا آورد.

**مسأله (۱۳۲)**

هرگاه طواف را فراموش کند و بعد از برگشتن به وطن یادش بیاید حجّش صحیح است و باید کسی را نایب بگیرد تا طوافش را بجا آورد و احوط این است که نایب بعد از طواف سعی را نیز به نیابت انجام دهد.

**مسأله (۱۳۳)**

هرگاه طواف را فراموش کند و به وطن برگردد و واقعه با اهلش بنماید و بعد یادش بیاید اگر فراموش شده طواف حجّ باشد یک گوسفند قربانی کفاره به منی بفرستد، و اگر فراموش شده طواف عمره باشد گوسفند کفاره را به مکه بفرستد.

**مسأله (۱۳۴)**

هرگاه طواف را فراموش کند و وقتی یادش بیاید که قضایش ممکن باشد با همان احرام قضایش را انجام دهد ولی اگر از مکه خارج شده باشد و یا یک ماه یا بیشتر گذشته باشد باید برای داخل شدن به مکه احرام ببندد و با همان احرام قضاء طواف را انجام دهد.

**مسأله (۱۳۵)**

زن و بوی خوش بر فراموش کننده طواف بر حرمت باقی میماند تا اینکه خودش در صورت امکان یا نایبش طواف را انجام دهد.

**مسأله (۱۳۶) هرگاه به جهت مرض یا شکستگی نتواند طواف را انجام دهد باید از دیگری کمک بگیرد اگر چه به سوار شدن بر دوش او باشد و اگر به کمک دیگری نیز نتواند طواف را انجام دهد باید نایب بگیرد.**

**۳- نماز طواف****مسأله (۱۳۷)**

واجب سوم از واجبات عمره تمتّع دو رکعت نماز طواف است که مثل نماز صبح می باشد و جائز است که مخفی یا بلند بخواند.

**مسأله (۱۳۸)**

واجب است نماز طواف را پشت مقام حضرت ابراهیم نزدیک به ان بخواند و در صورت ازدحام و عدم امکان احتیاط این است که پشت مقام با مراعات الاقرب فالاقرب انجام دهد.

**مسئله ۱۳۹)**

نماز طواف مستحب را در هر نقطه از مسجد که بخواند صحیح است.

**مسئله ۱۴۰)**

کسی که عمداً نماز طواف را نخواند حجّش باطل است زیرا بدون نماز طواف سعی باطل است.

**مسئله ۱۴۱)**

نماز طواف باید بعد از طواف فوراً خوانده شود و تاخیر در آن به نحوی که در عرف گفته شود بین طواف و نماز فاصله انداخته جائز نیست.

**مسئله ۱۴۲)**

اگر نماز طواف را فراموش کند و بعد از سعی بین صفا و مروه یادش بیاید باید فوراً به مقام ابراهیم بر گردد و نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست اگر چه احوط است.

**مسئله ۱۴۳)**

هرگاه در حین سعی یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده باید برگردد و نماز طواف را بخواند سپس از جایی که سعی را قطع نموده شروع کند و به اتمام رسانده و سعی صحیح است.

**مسئله ۱۴۴)**

اگر بعد از خروج از مکه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده اگر مشقت ندارد باید برگردد و نماز را در مقام ابراهیم بخواند و اگر مشقت دارد، و در همانجا که یادش آمده بخواند.

**مسئله ۱۴۵)**

اگر نماز طواف را از جهت نادانی و جهالت نخوانده، مثل کسی که آن را فراموش کرده باشد و تفصیل گذشته می آید و فرق بین جاهل قاصر و مقصر نیست.

**مسئله ۱۴۶)**

هرگاه نماز طواف را فراموش کند و بمیرد بر ولی لازم است که آن را قضاء نماید.

**مسئله ۱۴۷)**

هرگاه قرائت نماز گزار غلطی نداشته باشد در صورتی که نتواند آن را درست کند، نمازش مثل بقیه نمازها صحیح است. اگر قدرت به تصحیح قرائت داشته باشد واجب است آن را تصحیح کند، و اگر در این کار اهمال و سهل انگاری نمود تا وقت

ضیق شد، احوط این است که خودش نماز طواف را بخواند و نایب نیز بگیرد.

#### مسئله ۱۴۸

هرگاه نداند قرائتش غلط دارد و در ندانستن خود معذور باشد و نماز طواف را بخواند و بعد از آن بفهمد که قرائتش درست نیست نمازش محکوم به صحت است و محتاج به اعاده نیست، ولی اگر معذور نبوده و در تعلیم سهل انگاری و مسامحه کرده لازم است پس از تصحیح قرائت نماز را اعاده کند و حکمش مثل کسی است که نماز طواف را فراموش کرده باشد.

#### ۴- سعی بین صفا و مروه

#### مسئله ۱۴۹

بعد از فراغ از نماز طواف واجب است هفت شوط بین صفا و مروه سعی "گردش" نماید، و آن یکی از ارکان است که اگر عمدا ترک شود حج باطل است چه اینکه علم به وجوبش داشته باشد یا جاهل باشد.

#### مسئله ۱۵۰

سعی بین صفا و مروه عبادت است و در آن قصد قربت معتبر است و بهتر است در صفا بایستد و چنین نیت کند: "فهمت شوط سعی می کنم بین صفا و مروه از جهت فمره تمتع از فرض حجه الاسلام قربه الی الله تعالی و اگر در حج باشد بگوید: حج تمتع از فرض حجه الاسلام." "

#### مسئله ۱۵۱

طهارت از حدث یا خبث در سعی معتبر نیست، ولی سعی با طهارت افضل است.

#### مسئله ۱۵۲

اگر سعی را قبل از طواف یا نماز آن، عمدا بجا آورد باید آن را بعد از نماز طواف اعاده کند، و اگر طواف یا نماز طواف را فراموش کند و سعی را بجا آورد حکم آن گذشت.

#### مسئله ۱۵۳

بعد از نیت نمودن در صفا رفتن بسوی مروه را شروع کند همین که به مروه رسید یک شوط تحقق پیدا می کند و از آنجا بطرف صفا می رود و هنگامی که به صفا رسید، دو شوط تحقق پیدا میکند و وقتی که در دفعه دوم به مروه رسید سه شوط حساب میشود و دفعه دیگری که به صفا رسید، چهار شوط تکمیل شده و دیگر بار که به مروه برسد، پنج شوط میشود و در مرتبه دیگری که به صفا برسد شش شوط تحقق پیدا کرده و وقتی که به مروه رسید شوط هفتم تکمیل می شود.

#### مسئله ۱۵۴

سعی را نمی شود از مروه شروع کند و اگر چنین کند، سعی باطل است و باید از صفا شروع کند و فرق نیست در بطلان سعی بین

صورت عمد و جهل، و باید هر مقدار شوط را که انجام داده الغا کند و از صفا شروع نماید.

### مسئله ۱۵۵

در سعی پیاده رفتن افضل است و سواره رفتن نیز جایز است چه بر حیوان باشد یا چرخ که در آنجا متداول است.

### مسئله ۱۵۶

در هنگام رفتن از صفا باید روبروی مروه برود و در رفتن از مروه به صفا باید رو به صفا برود و اگر به نحو عقب گرد برود باطل است و اگر به چرخ یا حیوان سوار شود نیز باید در رفتن به سوی مروه رو به مروه و در رفتن به صفا رو به صفا باشد و اگر به چرخ سوار شود و در رفتن به سوی مروه پشت به مروه باشد و در رفتن به صفا پشت به آن باشد سعی باطل است.

### مسئله ۱۵۸

نشستن در صفا یا مروه جهت استراحت و رفع خستگی اشکالی ندارد و همچنین نشستن بین صفا و مروه جایز است و احوط این است که در صورت عدم خستگی از نشستن بین صفا و مروه خود داری کند.

### مسئله ۱۵۸

سعی بین صفا و مروه از ارکان حج است و اگر آنرا عمداً با علم یا جهل به حکم، تا زمانی که تدارکش پیش از وقوف به عرفات ممکن نباشد، ترک کند، حجش باطل است و در سال آینده باید حج نماید.

### مسئله ۱۵۹

هر گاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت که یادش بیاید باید بجا آورد، اگر چه بعد از فارغ شدن از اعمال حج باشد، و اگر شخصاً نتوانست یا برایش حرجی باشد، باید نایب بگیرد و حجش محکوم به صحت می باشد.

### مسئله ۱۶۰

هر گاه انسان شخصاً پیاده و یا سواره نتواند سعی را انجام دهد، باید نایب بگیرد و در صورتی که نایب انجام بدهد، حجش صحیح است.

### مسئله ۱۶۱

بعد از طواف و نماز آن بنا بر احتیاط، بلافاصله سعی را انجام دهد و اگر گرما شدت داشته باشد و یا خسته شده باشد، تأخیر انداختن آن تا سرد شدن هوا بلکه تا شب جایز است و اما تا فردا تأخیر آن بدون عذر جایز نیست.

### مسئله ۱۶۲

زیاد نمودن در سعی، از روی علم و عمد، موجب بطلان سعی می باشد مثل طواف: ولی اگر از روی جهل به حکم، زیاد نموده

باشد سعیش صحیح است، اگر چه احتیاط در اعاده است.

### مسئله ۱۶۳

کسی که از روی جهل به حکم، معتقد باشد که رفتن و برگشتن، یک شوط حساب می شود و چهارده مرتبه سعی نموده باشد، هفت مرتبه آن صحیح و هفت مرتبه دیگر زیادی و ملغی است.

### مسئله ۱۶۴

هر گاه از روی خطا، در سعی خود زیادی نمود سعیش صحیح است و زیادی ملغی می باشد، ولی اگر زیادی یک شوط باشد، مستحب است شش شوط دیگر بر آن بیفزاید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم به صفا خواهد بود.

### مسئله ۱۶۵

اگر زیادی خطا، پیش از یک شوط باشد می تواند آن را ملغی کند و دست بردارد و اتمام نمودن آن تا هفت شوط، به قصد رجا و احتمال مطلوبیت مانعی ندارد.

### مسئله ۱۶۶

هرگاه عمداً با علم به حکم و یا جهل به آن، از سعی خود کم کند و تا پیش از وقوف به عرفات تدارک نتواند، حجّش فاسد شده و لازم است سال بعد اعاده نماید، و اقوی این است که احرامش نیز باطل می شود، ولی احوط و اولی این است که عدول به حجّ افراد نموده و با نیت اعم از حجّ و عمره مفرده تمامش نماید.

### مسئله ۱۶۷

هرگاه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم باشد، واجب است هر وقت یادش بیاید، اگر چه بعد از فراغت از اعمال حجّ باشد، تدارک نماید و در صورتی که خودش تدارک نتواند یا تدارکش سخت و دشوار باشد، واجب است نائب بگیرد چه در راه مراجعت به وطن باشد و یا به وطن رسیده باشد، و احتیاط این است که نائب یک سعی تمام، به قصد اتمام یا تمام انجام دهد یعنی قصدش این باشد که اگر منوب عنه مشغول الذمه به یک سعی کامل است، این سعی کامل و اگر مشغول الذمه به چند شوط باشد، این چند شوط متمم سعی او باشد.

### مسئله ۱۶۸

اگر فراموش شده، پیش از شوط چهارم باشد مثلاً- اینکه چهار شوط را فراموش کرده باشد، احوط این است که یک سعی کامل انجام دهد به قصد تام یا اتمام، و اگر مراجعتش غیرممکن باشد یا دشوار، نائب بگیرد و او نیز هفت شوط سعی به قصد تمام یا اتمام دهد و اگر ماه ذیحجه گذشته باشد در سعی نیت قضا نماید.

### مسئله ۱۶۹

هر گاه از روی فراموشی مقداری از سعی را در عمره تمتع کم نمود و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده با عیالش نزدیکی کند یا

ناخن بگیرد و یا موی خود را بچیند، باید یک گاو کفاره بدهد و واجب است سعی را چنانچه گفته شد تمام کند.

### شک در عدد اشواط سعی

#### مسئله (۱۷۰)

شک در عدد اشواط سعی، بعد از تقصیر اعتبار ندارد. ولی عده ای از فقهاء گفته اند که شک در عدد اشواط، بعد از شک در عدد اشواط، بعد از سعی، اگرچه پیش از تقصیر باشد به آن اعتنا نمی شود اگر از سعی خارج شده باشد، ولی احتیاط این است که به این شک اعتنا کند، مثلاً به اعتقاد اینکه هفت شوط تمام شده از سعی خارج شود و پیش از تقصیر، شک کند که همین شوط هفتم بود یا پنجم، باید سعی را از سر بگیرد.

#### مسئله (۱۷۱)

هرگاه در مروه شک کند که همین شوط را که انجام داده هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و سعی صحیح است، و اگر همین شک پیش از رسیدن به مروه عارض شود سعی باطل است و باید به صفا برود و سعی را از سر بگیرد.

#### مسئله (۱۷۲)

شک در عدد اشواط سعی، مثل شک در عدد اشواط طواف، موجب بطلان سعی می باشد، پس حاجی باید شمار شوطهای سعی را با انگشت یا چیز دیگر ضبط کند تا مبتلی به اعاده نشود.

### ۵- تقصیر

#### مسئله (۱۷۳)

بعد از هفت شوط سعی بین صفا و مروه، واجب است تقصیر نماید، یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سیل، و قصد قربت در آن واجب است و بهتر است چنین نیت کند: "تقصیر می کنم از جهت عمره تمتع از فرض حَجَّةُ الْاِسْلَامِ قَرَبَةً اِلَى اللّٰهِ."

#### مسئله (۱۷۴)

کندن مو در تقصیر کفایت نمی کند.

#### مسئله (۱۷۵)

بیرون آمدن از احرام عمره تمتع باید به تقصیر باشد و تراشیدن سر، عوض تقصیر کافی نیست بلکه حرام و موجب کفاره است و کفاره آن یک گوسفند است و احتیاط این است که اگر جهلا نیز سر خود را بتراشد، گوسفند کفاره دهد.

#### مسئله (۱۷۶)

هر گاه بعد از سعی و پیش از تقصیر با زنی نزدیکی کند، بنا بر احتیاط باید شتر کفاره بدهد و در صورت عجز، یک گاو و در صورت عجز از آن یک گوسفند و فرق بین عالم به حکم و جاهل نیست .

#### مسئله (۱۷۷)

تقصیر پیش از اتمام سعی، حرام و موجب کفاره است .

#### مسئله (۱۷۸)

بعد از تمام شدن سعی، تقصیر واجب است ولی تأخیر آن تا پیش از احرام حجّ جائز است و مکانش نیز اختصاص به مروه ندارد و می تواند در مروه یا منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

(مسئله ۱۷۹): هرگاه تقصیر را عمدا ترک کند تا برای حجّ احرام ببندد، عمره اش فاسد و باطل خواهد بود و ظاهر این است که حجّ تمتعش بدل به حجّ افراد می شود و لازم است بعد از حجّ عمره مفرده بجا آورده و احتیاط این است، که حجّ تمتع را در سال بعد انجام دهد.

(مسئله ۱۸۰): هرگاه بعد از سعی تقصیر را فراموش کند و احرام حجّ را ببندد و یادش بیاید، عمره اش صحیح است و احتیاطا یک گوسفند کفاره بدهد.

#### مسئله (۱۸۱)

همینکه محرم در عمره تمتع تقصیر نموده آنچه به جهت احرام بر او حرام بر او حرام شده بود حلال میشود، بجز سر تراشیدن که می آید.

#### مسئله (۱۸۲)

هرگاه عمره تمتع را در ماه شوال بجا آورد، تا زمانی که سی روز از عید فطر نگذشته باشد، تراشیدن سر جائز است، و اما بعد از سی روز، احتیاط این که سر را نتراشد، و اگر از روی عمد و علم بتراشد احتیاط این است که یک گوسفند کفاره بدهد.

#### مسئله (۱۸۳)

طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست و بجا آوردن آن به قصد رجاء اشکال ندارد.

### اعمال حجّ

#### ۱- احرام

#### اشاره

در مسئله دوم اعمال حجّ را به طور اجمالی بیان کردیم که چهارده چیز بر حاجی واجب است.

#### مسئله (۱۸۴)



از واجبات حج، اول احرام بستن است و بهترین وقت آن روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) است، اگر چه تأخیر آن تا وقتی که وقوف اختیاری عرفه فوت نشود جائز است.

### مسئله ۱۸۵

تقدین احرام حجّ تا سه روز جائز است، خصوصاً برای مریضان و اشخاص پیر که از ازدحام بترسند، و این افراد پیش از خروج عموم حجاج، احرام میبندند و به عرفات می روند.

### مسئله ۱۸۶

هرگاه احرام حجّ را از روز ترویبه تأخیر کند جائز است، ولی نباید به قدری تأخیر کند که وقوف اختیاری عرفه را درک نکند.

### مسئله ۱۸۷

احرام حج، در کیفیت و واجبات و محرمات، مانند احرام عمره است و فرق بین هر دو تنها در نیت می باشد و بهتر است به این نحو نیت کند: (( احرام می بندم از جهت حجّ تمتّع از فرض حجّه الا سلام قریه الى الله لئیک اللهم لئیک، لئیک لا شریک لک لئیک و احوط والی اضافه نمودن این جمله است: ان الحمد والنعمه لک، والملک لا شریک لک لئیک)).

### مسئله ۱۸۸

مکه فعلاً توسعه یافته و بزرگ شده است و احرام باید از مکه قدیمه بسته شود، و افضل احرام بستن در مسجدالحرام است و مستحب است در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل دو رکعت نماز بخواند و احرام ببندد.

### مسئله ۱۸۹

کسی که احرام حجّ را از روی علم و عمد ترک کند واجب است تدارکش نماید، و اگر پیش از وقوف به عرفات، امکان تدارک پیدا نکند، حجّش فاسد است و لازم در سال بعد، اعاده حجه الاسلام نماید.

### مسئله ۱۹۰

حاجی وقتی که احرام حجّ را بست، احتیاط این است که پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی نکند، و اگر طواف نمود احوط این است که تلبیه را تجدید کند.

## ۲- وقوف در عرفات

### مسئله ۱۹۱

واجب دوم از واجبات حجّ تمتّع وقوف (بودن) در عرفات است با قصد قربت، و بهتر است بگوید: (( می باشم در این مکان از هنگام زوال تا غروب شرعی از جهت حجّ تمتّع از فرض حجه الاسلام قریه الى الله)). و مراد از وقوف، بودن در عرفات است چه ایستاده باشد یا بنشیند یا حرکت کند و یا سواره باشد.

**مسئله ۱۹۲**

برای صحرای عرفات، حدودی معین شده که نام آنها بطن عرنه، ثویه، نمره تا ذی المجاز و از مأزمین تا اخر موقف می باشد و این حدود از موقف خارج است و توقف در آنجا کفایت نمی کند، و شناخت آن حدود توسط اهل خبره و ساکنین مکه، تحقق پیدا می کند.

**مسئله ۱۹۳**

جبل رحمت در موقف، داخل است ولی وقوف بالای کوه مکروه می باشد و مستحب است در دامنه کوه، طرف چپ آن وقوف کند.

**مسئله ۱۹۴**

وقوف در عرفات باید از روی اختیار باشد، پس اگر در تمام وقت، خواب یا بیهوش یا غافل باشد وقوف تحقق پیدا نکرده است، ولی اگر بعد از زوال قصد وقوف بیاورد و بعد از آن به خواب رود یا بیهوش یا غافل شود، وقوفش صحیح است.

**مسئله ۱۹۵**

مقتضای احتیاط این است که شخص مختار از اول شمس، تا غروب شرعی در عرفات باشد، اگر چه تأخیر از اول زوال تا مقدار یک ساعت جائز است.

**مسئله ۱۹۶**

اگر حاجی اختیاریاً تیم ساعت قبل از غروب به عرفات بیاید، حجش صحیح است ولی از جهت تأخیر انداختن وقوف، گناهکار می باشد.

**مسئله ۱۹۷**

معلوم شد که وقوف اختیاری در عرفات، از زوال تا مغرب شرعی می باشد، و اگر کسر از جهت اضطرار یا نسیان یا جهل یا عذر دیگر، نتواند آن را درک کند واجب است بر او وقوف اضطراری و آن وقوف در عرفات، پاره ای از شب عید می باشد و حجش صحیح است و اگر آنرا عمداً ترک کند، حجش فاسد است.

**مسئله ۱۹۸**

اگر حاجی وقوف اختیاری و اضطراری عرفه را جهت عذری درک نکند ولی وقوف در مشعر الحرام را درک کند، حجش صحیح است.

**مسئله ۱۹۹**

کوچ کردن از عرفات، پیش از غروب شمس از روی علم و عمد حرام است ولی موجب بطلان حج نیست، پس اگر پشیمان شود و برگردد چیزی بر او نیست و اگر برگردد، یک شتر کفاره دهد و آن را در منی نحر کند، و اگر قدرت نداشته باشد هجده روز روزه

بگیرد، و احتیاط این است که پی در پی باشد

### مسئله ۲۰۰

هرگاه از جهت نسیان یا جهل به حکم، پیش از غروب عرفات کوچ کند و بعد از آن متوجه شود یا علم به حکم پیدا کند واجب است برگردد، و اگر برنگردد بنا بر احتیاط کفاره بدهد، ولی اگر تا مغرب متوجه نشود و یا علم به حکم پیدا نکند، کفاره بر او نیست.

### مسئله ۲۰۱

هرگاه هلال نزد قاضی اهل سنت ثابت شود و بر طبق آن حکم کند و در نزد شیعه ثابت نشود، مباحث آنها و وقوف با آنها و ترتیب جمیع اثار ثبوت هلال بسبب به مناسک حج، واجب است و کفایت از حجه الاسلام می کند و مخالفت با آنها حتی به عنوان احتیاط جائز نیست، و در این امر فرق بین علم به مخالفت حکم قاضی اهل سنت با واقع و شک به مخالفت نیست و در هر دو صورت حج از جهت تقیه صحیح است.

## ۳- وقوف در مشعر الحرام

### مسئله ۲۰۲

واجب سوم از واجبات حج تمتع، وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) است و حدود آن از مآزمین (دوراه باریک) تا حیاض تا وادی محسر می باشد و این حدود، داخل در موقف نیست ولی در هنگام ازدحام و ضیق وقت، بلا رفتن تا مآزمین جائز است.

### مسئله ۲۰۳

وقوف در مشعر الحرام نیز عبارت است و مقصد قربت در آن معتبر است و احوط این است که شب عید را در مشعر الحرام با قصد قربت به روز برساند.

### مسئله ۲۰۴

وقوف در مشعر الحرام از طلوع افتاب روز عید قربان واجب است ولی آنچه رکن است وقوف مختصری است که اگر بین طلوعین وقوف نمود و سپس عمداً کوچ کرد حجش صحیح است گرچه فعل حرامی بجا آورده است.

### مسئله ۲۰۵

اگر حاجی وقوف بین طلوع فجر تا طلوع افتاب را اصلاً ترک کند، یعنی پیش از طلوع فجر عمداً از مشعر خارج شود، حجش باطل است و باند در سال آینده حج را انجام دهد، ولی زنان و کودکان و مریضان و پیرمردان و شخصی که از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از مقداری وقوف نمودن در شب عید، پیش از طلوع فجر به سوی منی کوچ کنند.

### مسئله ۲۰۶

هرگاه حاجی در شب عید در مزدلفه (مشعرالحرام) وقوف نماید و از جهت ندانستن حکم مسأله پیش از طلوع فجر کوچ کند، ظاهراً حجّش صحیح است و یک گوسفند کفاره بدهد.

#### مسأله ۲۰۷

کسی که از جهت فراموشی یا جهل یا عذر دیگری، نتواند وقوف اختیاری بین طلوعین را در مزدلفه (مشعرالحرام) درک کند، واجب است وقوف اضطراری بنماید و آن، وقوف مختصری است بین طلوع شمس و ظهر روز عید، و اگر عمداً آنرا ترک کند حجّش فاسد است.

#### مسأله ۲۰۸

وقوف در عرفات و مشعر، هر کدام دو قسم است (اختیاری و اضطراری) پس اگر مکلف، اختیاری هر دو را درک کند بدون شبهه، حجّش صحیح است و اگر هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند، حجّش باطل است و با همان احرام حج، عمره مفرده را انجام دهد و در صورتی که استطاعتش باقی بماند و یا حجّ از سالهای قبل بر ذمه اش مستقر باشد، سال بعد حجّ را بجا آورد.

#### مسأله ۲۰۹

هرگاه مکلف وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند، مثلاً از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات باشد و بین طلوع آفتاب روز عید و ظهر، مقداری در مشعر بماند حجّش صحیح است بلا اشکال، و همچنین حجّش صحیح است اگر درک کند وقوف اضطراری عرفه و اختیاری مشعر و در این دو صورت هیچ شکی در صحت حجّ نیست.

#### مسأله ۲۱۰

هرگاه مکلف، وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند حجّش صحیح است ولی احتیاط این است که اگر استطاعتش باقی باشد یا حجّ بر ذمه اش از سالهای قبل مستقر باشد، در سال آینده حجّ را انجام دهد

#### مسأله ۲۱۱

هرگاه مکلف، فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند و وقوف عرفات، حتی وقوف اضطراری آن را درک نکند، حجّش صحیح است

#### مسأله ۲۱۲

هرگاه مکلف فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند و وقوف عرفات مطلقاً از او فوت شده باشد، بعید نیست حجّش صحیح باشد ولی احتیاط این است که بقیه اعمال را به قصد ما فی الذمه بجا آورد و حجّ را در سال آینده انجام دهد و حتی الامکان، این احتیاط ترک نشود.

#### مسأله ۲۱۳

هر گاه مکلف فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کند و مشعر را اصلاً درک نکند، مشهور صحت حج است ولی اظهر بطلان است، مگر اینکه شب از مشعر عبور کرده باشد و ترک وقوفش در مشعر از جهت جهل به حکم یا موضوع باشد مثلاً اینکه نداند وجوب وقوف در مشعر را یا اینکه وجوب را بداند و نداند که اینجا مشعر است و در اینجا باید یک گوسفند کفاره دهد و حجش صحیح است، و اگر از مشعر عبور نکرده باشد حجش باطل است و منقلب میشود به عمره مفرده، و اعمال عمره مفره را انجام دهد.

#### مسئله ۲۱۴

هر گاه مکلف تنها وقوف اضطراری عرفه را درک کند حجش باطل است و باید با همان احرام، عمره مفرده را انجام دهد و ملخص کلام این است که صور متصوره درک وقوف نه صورت است:

(۱) درک وقوف اختیاری عرفات و مشعر.

(۲) درک وقوف اختیاری عرفه و اضطراری مشعر.

(۳) درک وقوف اختیاری مشعر و اضطراری عرفه.

(۴) درک تنها وقوف اضطراری عرفه و مشعر.

(۵) درک تنها وقوف اختیاری مشعر.

در این پنج صورت حجش بلا اشکال صحیح است.

(۶) درک تنها وقوف اضطراری مشعر، که در این صورت نیز بعید نیست که حجش صحیح باشد، اگرچه احتیاط در اعاده حج در سال آینده است.

(۷) درک تنها وقوف اختیاری عرفه با عبور از مشعر در شب عید، که اقوی صحت حج است.

(۸) درک وقوف اختیاری عرفه با عدم عبور از مشعر در شب عید، که در این صورت حجش باطل است.

(۹) درک تنها وقوف اضطراری عرفه که در این صورت نیز بودن شک، حجش باطل است و بدل به عمره می شود.

#### ۴- رمی جمره عقبه

#### مسئله ۲۰۲

واجب سوم از واجبات حج تمتع، وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه) است و حدود آن از مازمین (دوراه باریک) تاحیاض تا وادی محسر می باشد و این حدود، داخل در موقف نیست ولی در هنگام ازدحام و ضیق وقت، بلا رفتن تا مازمین جائز است.

#### مسئله ۲۰۳

وقوف در مشعر الحرام نیز عبارت است و قصد قربت در آن معتبر است و احوط این است که شب عید را در مشعر الحرام با قصد قربت به روز برساند.

#### مسئله ۲۰۴

وقوف در مشعر الحرام از طلوع آفتاب روز عید قربان واجب است ولی آنچه رکن است وقوف مختصری است که اگر بین طلوعین وقوف نمود و سپس عمداً کوچ کرد حجش صحیح است گرچه فعل حرامی بجا آورده است.

**مسئله ۲۰۵)**

اگر حاجی وقوف بین طلوع فجر تا طلوع افتاب را اصلاً ترک کند، یعنی پیش از طلوع فجر عمداً از مشعر خارج شود، حجّش باطل است و باند در سال آینده حجّ را انجام دهد، ولی زنان و کودکان و پیرمردان و شخصی که از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از مقداری وقوف نمودن در شب عید، پیش از طلوع فجر به سوی منی کوچ کنند.

**مسئله ۲۰۶)**

هرگاه حاجی در شب عید در مزدلفه (مشعرالحرام) وقوف نماید و از جهت ندانستن حکم مسئله پیش از طلوع فجر کوچ کند، ظاهراً حجّش صحیح است و یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسئله ۲۰۷)**

کسی که از جهت فراموشی یا جهل یا عذر دیگری، نتواند وقوف اختیاری بین طلوعین را در مزدلفه (مشعرالحرام) درک کند، واجب است وقوف اضطراری بنماید و آن، وقوف مختصری است بین طلوع شمس و ظهر روز عید، و اگر عمداً آنرا ترک کند حجّش فاسد است.

**مسئله ۲۰۸)**

وقوف در عرفات و مشعر، هر کدام دو کدام دو قسم است (اختیاری و اضطراری) پس اگر مکلف، اختیاری هر دو را درک کند بدون شبهه، حجّش صحیح است و اگر هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند، حجّش باطل است و با همان احرام حج، عمره مفرده را انجام دهد و در صورتی که استطاعتش باقی بماند و یا حجّ از سالهای قبل بر ذمه اش مستقر باشد، سال بعد حجّ را بجا آورد.

**مسئله ۲۰۹)**

هرگاه مکلف وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند، مثلاً از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات باشد و بین طلوع آفتاب روز عید و ظهر، مقداری در مشعر بماند حجّش صحیح است بلا اشکال، و همچنین حجّش صحیح است اگر درک کند وقوف اضطراری عرفه و اختیاری مشعر و در این دو صورت هیچ شکی در صحت حجّ نیست.

**مسئله ۲۱۰)**

هرگاه مکلف، وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند حجّش صحیح است ولی احتیاط این است که اگر استطاعتش باقی باشد یا حجّ بر ذمه اش از سالهای قبل مستقر باشد، در سال آینده حجّ را انجام دهد

**مسئله ۲۱۱)**

هرگاه مکلف، فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند و وقوف عرفات، حتی وقوف اضطراری آن را درک نکند، حجّش صحیح

است

**مسئله ۲۱۲**

هرگاه مکلف فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند و وقوف عرفات مطلقاً از او فوت شده باشد، بعید نیست حجّش صحیح باشد ولی احتیاط این است که بقیه اعمال را به قصد ما فی الذمه بجا آورد و حجّ را در سال آینده انجام دهد و حتی الامکان، این احتیاط ترک نشود.

**مسئله ۲۱۳**

هرگاه مکلف فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کند و مشعر را اصلاً درک نکند، مشهور صحت حجّ است ولی اظهار بطلان است، مگر اینکه شب از مشعر عبور کرده باشد و ترک و قوفش در مشعر از جهت جهل به حکم یا موضوع باشد مثلاً اینکه نداند وجوب وقوف در مشعر را یا اینکه وجوب را بداند و نداند که اینجا مشعر است و در اینجا باید یک گوسفند کفاره دهد و حجّش صحیح است، و اگر از مشعر عبور نکرده باشد حجّش باطل است و منقلب میشود به عمره مفرده، و اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

**مسئله ۲۱۴**

هرگاه مکلف تنها وقوف اضطراری عرفه را درک کند حجّش باطل است و باید با همان احرام، عمره مفرده را انجام دهد و ملخص کلام این است که صور متصوره درک وقوف نه صورت است:

- (۱) درک وقوف اختیاری عرفات و مشعر.
  - (۲) درک وقوف اختیاری عرفه و اضطراری مشعر.
  - (۳) درک وقوف اختیاری مشعر و اضطراری عرفه.
  - (۴) درک تنها وقوف اضطراری عرفه و مشعر.
  - (۵) درک تنها وقوف اختیاری مشعر.
- در این پنج صورت حجّش بلا اشکال صحیح است.
- (۶) درک تنها وقوف اضطراری مشعر، که در این صورت نیز بعید نیست که حجّش صحیح باشد، اگرچه احتیاط در اعاده حجّ در سال آینده است.
  - (۷) درک تنها وقوف اختیاری عرفه با عبور از مشعر در شب عید، که اقوی صحت حجّ است.
  - (۸) درک وقوف اختیاری عرفه با عدم عبور از مشعر در شب عید، که در این صورت حجّش باطل است.
  - (۹) درک تنها وقوف اضطراری عرفه که در این صورت نیز بودن شک، حجّش باطل است و بدل به عمره می شود.

**۵- ذبح و نحر در منی****مسئله ۲۲۶**

بعد از رمی جمره عقبه در روز عید، قربانی کردن واجب است و آن واجب پنجم از اعمال حجّ تمتّع می باشد و قصد غربت در آن معتبر است و بهتر این است که چنین نیت کند: "قربانی می کنم این گوسفند یا گاو یا شتر را از جهت حجّ تمتّع از فرض حجّه

الاسلام قربه الى الله."

### مسأله ۲۲۷

واجب است قربانی را در روز انجام دهد و اگر ترس از دشمن داشته باشد، می تواند در شب انجام دهد.

### مسأله ۲۲۸

ذبح یا نحر قربانی واجب است که در منی باشد، و اگر از جهت تغییر محل قربانی، ذبح و نحر در منی ممکن نباشد، و تأخیر انداختن آن تا اواخر ذی الحجه، موجب عسر و حرج نوعی باشد، می تواند ذبح و نحر را در خارج منی انجام دهد و اگر تأخیر موجب عسر و حرج نباشد، صبر می کند و طواف و سعی را بعد از ذبح انجام می دهد، اگر چه بعد از ایام تشریق باشد.

### مسأله ۲۲۹

دانسته باشد که وجوب قربانی، بعد از رمی جمره عقبه می باشد ولی اگر از جهت فراموشی یا جهل، قربانی را پیش از رمی جمره عقبه انجام دهد، صحیح است و محتاج به اعاده نیست.

### مسأله ۲۳۰

احتیاط واجب آن است که ذبح یا نحر در روز عید باشد و از آن تأخیر نیندازد، ولی اگر فراموش کند و یا جاهل به حکم باشد و تأخیر اندازد، باید در ایام تشویق انجام دهد و از آن عملاً تأخیر نکند (ایام تشویق، یازدهم، دوازدهم، و سیزدهم می باشد) و اگر عذر ادامه یابد، تا آخر ذیحجه هر وقت متذکر شود انجام دهد و اگر عذر ادامه یابد، تا ذیحجه منقضی شود، باید در ذیحجه سال آینده خودش یا نائیش انجام دهد.

(مسأله ۲۳۱): هر گاه قربانی را فراموش کند و طواف زیارت را انجام دهد و بعد از آن متوجه شود باید به منی برگردد و قربانی بنماید و اعاده طواف واجب نیست ولی احوط است، و اگر عمداً طواف را بر قربانی تقدیم اعاده طواف بعد از قربانی واجب است، زیرا مقدم نمودن طواف، بر قربانی جائز نیست.

(مسأله ۲۳۲): بر هر فرد از حجاج در حج تمتع قربانی واجب است و یک قربانی از دو نفر کفایت نمی کند.

(مسأله ۲۳۳): قربانی یا شتر، یا گاو و یا گوسفند باشد، و اگر شتر باشد باید پنج سال را تمام نموده داخل در سال ششم باشد، و اگر گاو باشد باید یکسال را تمام نموده داخل در سال دوم باشد و اگر بز باشد نیز باید در سال دوم داخل شده باشد ولی احتیاط در گاو و بز این است که دو سال را تکمین نموده، داخل سال سوم شده باشد و اگر گوسفند باشد باید هشت ماه داشته باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یکسالش تمام و داخل سال دوم باشد.

(مسأله ۲۳۴): هر گاه پس از قربانی کردن معلوم شد اینکه قربانی به سن معتبر نبوده باید قربانی دیگر که دارای سن معتبر باشد بنماید.

(مسأله ۲۳۵): قربانی باید صحیح و سالم باشد و قربانی، شاخ شکسته و لنگ و گوش بریده و لاغر در نزد عرف و کور و شل و اخته شده، کفایت نمی کند.

(مسأله ۲۳۶): قربانی اگر موجود (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و گوش سوراخ یا مشقوق (شق شده) و یا پیر که مغز استخوانش آب شده و یا در اصل خلقت شاخ و یا دم نداشته و یا مریض باشد، کفایت می کند ولی احوط این است که از این عیبه



هم سالم باشد.

(مسئله ۲۳۷): هر گاه قربانی را به عقیده اینکه سالم است، خریداری نماید و قیمتش را پردازد، بعد معلوم شود عیبی دارد، بعید نیست که مجزی باشد ولی احوط عدم اکتفاء به آن است.

#### مسئله ۲۳۸

شرائط و اوصافی که برای قربانی ذکر شد، اختصاص به حال تمکن دارد پس اگر واجد شرائط میسر نشود، هر آنچه میسر شود کافی است.

**مسئله ۲۳۹) هر گاه قربانی را به عقیده اینکه چاق است ذبح نماید و بعد از آن معلوم شود که لاغر بوده کافی است و لازم نیست که قربانی چاق دیگری تهیه نماید.**

#### مسئله ۲۴۰

هر گاه ذبح یا نحر کند و بعد از آن شک نماید که آیا قربانی واجد شرائط بوده، یا نه، اگر احتمال می دهد که شاید احراز شرائط را هنگام ذبح نموده باشد کافی است و حکم به صحت قربانی می شود.

#### مسئله ۲۴۱

هر گاه بعد از قربانی شک کند که در منی واقع شده یا در خارج منی، پس اگر احتمال می دهد که شرطیت منی را احراز کرده است کافی است.

#### مسئله ۲۴۲

هر گاه شک کند که آیا قربانی کرده است یا نه، پس اگر شک بعد از حلق باشد، بنا را بر اینکه قربانی کرده است بگذرد، و اگر شکش پیش از تراشیدن سر باشد، باید قربانی بنماید.

#### مسئله ۲۴۳

هر گاه شک کند که آیا این قربانی را که تهیه نموده چاق است یا لاغر و به امید اینکه چاق باشد و شاید امثال امر خداوند شود آنرا ذبح یا نحر نماید، پس اگر به شک خود باقی باشد کفایت نمی کند و همچنین است اگر کشف شود که لاغر است، و اگر کشف شود که چاق بوده کفایت می کند.

#### مسئله ۲۴۴

هر گاه حیوان سالمی را برای قربانی خریداری نماید و بعد از آن مریض شود یا بعضی از اعضایش بشکند و یا عیب دیگری بر او عارض شود، برای قربانی کافی است و لازم نیست آنرا عوض نماید و قربانی دیگری بخرد.

#### مسئله ۲۴۵

هر گاه قربانی خرید و آن قربانی گم شد، باید قربانی دیگری عوض آن بخرد، پس اگر اولی پیش از کشتن دومی پیدا شود، اولی را بکشد و نسبت به دومی مخیر است که بکشد یا نکشد و در حکم سایر اموال او خواهد بود و احتیاط استحبابی در ذبح آن است، و اگر اولی بعد از ذبح دومی پیدا شود، احتیاط این است که اولی را نیز ذبح کند.

#### مسئله ۲۴۶

اگر حاجی نتواند قربانی پیدا کند پولش را نزد امینی بگذارد تا قربانی بخرد و تا آخر ذیحجه، از جانب او ذبح کند و اگر ماه ذیحجه گذشت نباید قربانی کند مگر در ذیحجه سال آینده، و روزه بدل هدی بر او واجب نیست.

#### مسئله ۲۴۷

کسی که نه قربانی دارد و نه پولش را، بجای قربانی باید ده روز روزه بگیرد، سه روزش را در حج یعنی روزهای هفتم و هشتم و نهم ذیحجه روزه بگیرد و هفت روز دیگر را در وطن بعد از مراجعت روزه بگیرد و احتیاط این است که پی در پی بگیرد و اما سه روز اول را که در ایام حج می گیرد، باید پی در پی باشد.

#### مسئله ۲۴۸

اگر حاجی قدرت به قربانی نداشت و روز هفتم و هشتم و نهم را در مکه روزه گرفت و بعد از اعمال حج به وطن برگشت و در مکه ماند واجب است صر کند تا حجاج به اوطانشان برگردند و آن وقت هفت روز باقی مانده را روزه بگیرد و یا ماه صبر کند و بعد از آن هفت روز، روزه بگیرد.

#### مسئله ۲۴۹

کسی که وظیفه اش روزه گرفتن است، اگر نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم را روزه بگیرد، و یک روز باقی مانده را بعد از بازگشت از منی روزه بگیرد، و اگر روز هشتم را نیز نتواند روزه بگیرد، هر سه روز را تا برگشت از منی به تأخیر بیندازد، و احتیاط این است که بعد از بازگشت، هرچه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر نباید تأخیر کند.

#### مسئله ۲۵۰

اگر بعد از بازگشت از منی نتواند روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن روزه بگیرد در سفر، و اگر در سفر نگیرد باید بعد از مراجعت به وطن روزه بگیرد ولی بین سه روز و هفت روز، فاصله بیندازد و ده روز را، پی در پی نگیرد.

#### مسئله ۲۵۱

اگر تا اول محرم سه روز را روزه نگرفت، روزه از او ساقط می شود و باید در سال آینده قربانی بنماید.

#### مسئله ۲۵۲

کسی که نه قربانی دارد و نه پولش را، و سه روز، روزه گرفت و بعد از آن قربانی برایش میسر شد، بنا بر احتیاط قربانی بر او واجب است.

**مسئله ۲۵۳**

کسی که نمی‌تواند به تنهایی، قربانی تهیه کند ولی می‌تواند با دیگری شرکت نماید، احوط این است که بین روزه به ترتیبی که گفته شد و شرکت در قربانی، جمع نماید.

**مسئله ۲۵۴**

در قربانی مباشرت شرط نیست، پس می‌شود انسان کسی را وکیل بگیرد که از جانب او قربانی بنماید، و اگر شک کند که وکیل قربانی نموده یا نه؟ بنا بگذارد که قربانی نکرده، ولی اگر وکیل مورد وثوق باشد و بگوید قربانی کردم، کافی است و این واجب از او ساقط می‌شود و همچنین است حال در کفاره.

**مسئله ۲۵۵**

نیت در کفاره و قربانی باید از موکل و منوب عنه تاهنگام ذبح مستمر باشد، و احتیاط این است که کشنده نیز نیت نیابت از او را بنماید با قصد تقرب.

**مسئله ۲۵۶**

شرایطی که در قربانی معتبر است در کفاره معتبر نیست، اگر چه احتیاط در مراعات آن است.

**مصرف قربانی****مسئله ۲۵۷**

احتیاط این است که قربانی را سه قسمت کند، یک قسمت را به فقیر مؤمن صدقه دهد و یک قسمت را برای برادر مؤمن هدیه کند و قسمت سوم را برای خود قرار دهد و چیزی از آن بخورد.

**مسئله ۲۵۸**

سهم فقیر را لازم نیست به خود فقیر بدهد، بلکه اگر به وکیل فقیر مؤمن هم بدهد کافی است، و وکیل در آن طبق اجازه موکل تصرف می‌کند چه در بخشیدن یا فروختن و یا اعراض از آن و اگر خود حاجی، وکیل فقیر باشد، به وکالت او هر گونه اجازه داده باشد تصرف می‌کند.

**مسئله ۲۵۹**

صدقه دادن باید به مؤمن فقیر باشد و چون در منی مؤمن فقیر پیدا نمی‌شود، لهذا باید حجاج محترم هنگام حرکت از وطن، از مؤمن فقیر وکیل شوند تا در ثلث قربانی طبق دستور او عمل کنند.

**مسئله ۲۶۰**

تقسیم و جدا نمودن هر قسمت را از دیگری، در خارج واجب نیست و همینکه یک سوم (ثلث) را به نحو مشاع به وکیل فقیر مؤمن بدهد و یک سوم (ثلث) را به نحو مشاع به وکیل فقیر مؤمن بدهد و یک سوم (ثلث) را برای برادر مؤمن هدیه کند و از یک سوم (ثلث) باقیمانده، چیزی بخورد کافی است.

### مسئله (۲۶۱)

بعد از آنکه برادر مؤمن و مؤمن فقیر، قسمت هدیه و صدقه را قبول و قبض کنند، هر نحو تصرف در آن حتی بخشیدن به غیر مؤمن و یا اعراض برایشان جائز است.

### مسئله (۲۶۲)

هرگاه قربانی را کشت و بعد از آن کسی به زور ببرد و یا سارق آن را سرقت کند و یا به افت سماوی تلف شود، صاحب قربانی ضامن نیست. ولی اگر خودش به غیر مومن صدقه بدهد یا هدیه کند، از برای دو ثلث آن ضامن می باشد بنا بر احتیاط، و همچنین است اگر عمداً تلف کند.

### ۶- حلق یا تقصیر

#### مسئله (۲۶۳)

واجب ششم از واجبات حج تمتع حلق (سر تراشیدن) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است، و قصد قربت در آن معتبر است و احتیاط این است که بعد از رمی جمره و قربانی در روز عید انجام شود، ولی تقدیم آن بر رمی جمره یا قربانی و یا هر دو از جهت نادانی یا فراموشی مجزی است و اعاده لازم نیست.

#### مسئله (۲۶۴)

بر زنان تقصیر متعین است و سر تراشیدن جائز نیست.

#### مسئله (۲۶۵)

مردان بین حلق و تقصیر، مخیرند که هر کدام را خواسته باشند اختیار کنند ولی حلق (سر تراشیدن) افضل است.

#### مسئله (۲۶۶)

صروره (کسی که بار اول حج می کند) بنا بر احتیاط باید حلق نماید و کسانی که موی سر را بافته و یا با صمغ یا عسل چسبانیده یا موی سر را در هم پیچیده و گره زده اند، باید سر را تراشند و تقصیر برایشان کافی نیست.

#### مسئله (۲۶۷)

کسی که می خواهد سر تراشد و می داند که سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، باید اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود

را چیده و سپس سر را بترشد.

### مسئله ۲۶۸)

ختنای مُشکِل، اگر موی سر خود را نجسباند یا نبافته باشد، باید تقصیر نماید و اگر بافته یا چسباند باشد، باید هم تقصیر و هم حلق نماید و احتیاطاً تقصیر را بر حلق، مقدم بدارد.

### مسئله ۲۶۹)

بعد از حلق یا تقصیر، آنچه بر محرم حرام شده بود حلال می شود، بجز زن و بوی خوش و بنابر احتیاط شکار.

### مسئله ۲۷۰)

هر گاه از روی فراموشی یا نداشتن حکم، پیش از حلق و تقصیر از منی خارج شود، باید به منی برگردد و در آنجا سرخود را بترشد یا تقصیر نماید، و اگر بازگشتن به منی دشوار یا غیرممکن باشد در همان جا که متوجه شده سرش را بترشد یا تقصیر کند و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد.

(مسئله ۲۷۱): هر گاه از روی فراموشی یا نادانی، حلق و تقصیر نکرد و بعد از فراغ از اعمال حج، متوجه شد و آن را تدارک نمود، اعاده طواف احوط است، بلکه احوط اعاده سعی نیز هست، خصوصاً اگر از مکه خارج نشده باشد.

## ۷.۸.۹- طواف حج و نماز طواف وسیعی

### مسئله ۲۷۲)

هفتم و هشتم و نهم از واجبات حج، طواف و نماز طواف و سعی است، و شرائط و کیفیت این سه واجب، عین شرائط می باشد و کیفیت طواف عمدتاً تمتع و نماز و سعی آن می باشد.

### مسئله ۲۷۳)

طواف حج تمتع، باید بعد از حلق یا تقصیر باشد، و اگر با علم و عمد طواف را پیش از حلق یا تقصیر انجام دهد، واجب است بعد حلق یا تقصیر آنرا اعاده نموده و یک گوسفند کفاره دهد.

(مسئله ۲۷۴): مقتضای احتیاط این است که طواف را روز دهم یازدهم انجام دهد، اگر چه تأخیر آن تا آخر ایام تشویق (۱۳.۱۲.۱۱) ذیحجه) جائز است ولی افضل، روز عید و بعد از آن روز یازدهم است.

مسئله ۲۷۵) پیش انداختن طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جائز نیست، مگر برای پیران و یا زنی که بیم حیض شدن دارد و یا مریض، که برای اینها جائز است طواف و نمازش را پیش از وقوفین انجام دهند و سعی را در وقت خودش انجام دهند، و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقت خودش نیز، انجام دهند و اولی و افضل این است که در صورت امکان در ایام تشویق، طواف و نمازش را اعاده کنند.

### مسئله ۲۷۶)

کسی که از مراجعت به مکه بعد از حلق و تقصیر، برجان خود می‌ترسد می‌تواند از طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین، مقدم بدارد و بلکه تقدیم طواف نساء نیز اشکال ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود.

#### مسئله ۲۷۷

کسی که داخل شدن در مسجد الحرام برایش جائز نیست مثل زن حائض یا نساء و نتواند تا پاک شدن، در مکه بماند که طواف کند برایش جائز است برای طواف و نماز نائِب بگیرد و پس از طواف نائِب، خودش سعی را انجام دهد.

#### مسئله ۲۷۸

هر گاه در حج تمتع، طواف حج و نماز و سعی را انجام دهد، بوی خوش برایش حلال می‌شود می‌شود و از محرمات احرام، فقط زن و بنا بر احتیاط شکار باقی می‌ماند.

#### مسئله ۲۷۹

هر گاه طواف زیارت و سعی را انجام دهد، عقد نکاح برایش حلال می‌شود، ولی مقتضای احتیاط، اجتناب از مطلق استمناع به زن می‌باشد و اما جماع به حرمت باقی است تا اینکه طواف نساء را انجام دهد.

#### مسئله ۲۸۰

برای کسانی که تقدم طواف و سعی بروقفین، برایشان جائز است و آنها را انجام دهند، بوی خوش (طیب) برایشان حلال نمی‌شود تا اینکه مناسک منی را انجام دهند و وقتی که رمی و رنج و حلق یا تقصیر را انجام دهند، بوی خوش (طیب) برایشان حلال می‌شود.

### ۱۰. ۱۱- طواف نساء و نماز آن

#### مسئله ۲۸۱

واجب دهم و یازدهم از واجبات حج، طواف نساء و نماز آن است و این دو اگر چه واجب است ولی از اجزا و مناسک حج نیست، به قسمتی که اگر ترک شود، حج باطل نمی‌شود ولی زن به حرمت باقی می‌ماند و با قطع نظر از حرمت زن، طواف نساء فی نفسه واجب، و ترکش جائز نیست و بر پیرمردی که اصلاً میل به زن ندارد نیز واجب است، و همچنین بر پیرزن و خنثی.

#### مسئله ۲۸۲

گفته شد که طواف نساء همچنانکه بر مردان واجب است بر زنان نیز واجب است و اختصاص به مردان ندارد و اگر زن آن را ترک کند، بر علاوه اینکه ترک واجب نموده مرد نیز بر او حرام است.

#### مسئله ۲۸۳

کسی که به نیابت دیگری حج را انجام می‌دهد، طواف نساء را نیز از طرف منوب عنه و به نیابت او انجام می‌دهد، ولی اگر آن را ترک کند بر علاوه اینکه عمل نیابتی را کامل انجام نداده ترک واجب کرده، زن نیز بر نائِب حرام است.

**مسئله ۲۸۴)**

طواف نساء و نمازش در شرائط و کیفیت، عیناً مثل طواف حج و نماز آن است.

**مسئله ۲۸۵)**

کسی که به جهت مرض یا پیری نمی تواند طواف نساء را بجا آورد، از دیگری کمک بگیرد و آنرا انجام دهد، اگر چه بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود، و اگر به این نحو هم نتواند، باید دیگری را نایب بگیرد و این حکم در نماز طواف نیز جاری است.

**مسئله ۲۸۶)**

کسی که عمداً با دانستن حکم یا ندانستن یا فراموشی، طواف نساء را انجام ندهد، زن به حرمت خود باقی می ماند تا اینکه آنرا انجام دهد و اگر انجام دادن آن برایش غیرممکن یا دشوار باشد می تواند نایب بگیرد و وقتی که نایب آنرا انجام دهد، زن بر منوب عنه حلال می شود، و اگر پیش از آنکه طواف نساء را خودش یا نایبش انجام دهد بمیرد، احتیاط این است که از ترکه اش قضاء آن انجام داده شود.

**مسئله ۲۸۷)**

تقدیم طواف نساء بر سعی جائز نیست، و کسی که عمداً آنرا بر سعی مقدم دارد، واجب است بعد از سعی آنرا اعاده کند، و بنا بر احتیاط اعاده واجب است، حتی اگر آنرا از روی نادانی یا فراموشی بر سعی مقدم دارد.

**مسئله ۲۸۸)**

کسی که از روی عذر طواف نساء را بر و قوفین، مقدم دارد تا وقتی که مناسک منی را انجام نداده، زن بر او حلال نمی شود.

**مسئله ۲۸۹)**

هر گاه زن حائض شود و قافله تا پاک شدن او منتظر نماند، بنا بر احتیاط می تواند برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد و با قافله حرکت کند.

**مسئله ۲۹۰)**

هر گاه زن در حال طواف، بعد از تجاوز نصف آن حائض شود، باید آنرا ترک کند و می تواند با قافله خارج شود و احتیاط این است که برای بقیه طواف و نماز آن نایب بگیرد.

**مسئله ۲۹۱)**

فراموشی نماز طواف نساء، مثل فراموشی نماز طواف حج می باشد، پس اگر در مکه یادش آمد به مسجد الحرام برمی گردد و آنرا بجا می آورد، و اگر از مکه خارج شده و برگشتن موجب عسر و حرج نباشد، بر می گردد و آنرا انجام می دهد و اگر برگشتن غیرممکن یا دشوار باشد، هر جا که یادش آمد آنرا انجام می دهد.

**مسئله ۲۹۲)**

در حج تمتع، هر گاه طواف نساء و نماز آنرا بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و اگر زن بجا آورد مرد بر او حلال می شود ولی بنا بر احتیاط حرمت شکار از جهت احرام تا ظهر روز سیزدهم بر حاجی باقی می ماند، و اما شکار در حرم و کندن درخت و گیاه حرم اختصاص به محرم ندارد بلکه برای شخص مُحِل نیز حرام است.

**۱۲- بیتوته در منی****مسئله ۲۹۳)**

واجب دوازدهم از واجبات حج، بودن در منی است با قصد قربت در شب یازدهم و دوازدهم، پس اگر حاجی روز دهم از جهت طواف زیارت و سعی به مکه برود باید شب به منی برگردد و در آنجا بماند، و اگر روز یازدهم به مکه برود نیز، واجب است برگردد و شب دوازدهم را در منی بماند، و کسی که در حال احرام از صید اجتناب نکرده باشد، شب سیزدهم نیز واجب است در منی باشد و همچنین است بنا بر احتیاط، کسی که در حال احرام با زن نزدیکی کرده باشد، پس او نیز شب سیزدهم در منی بیتوته می کند و برای غیر اینها جائز است روز دوازدهم، بعد از زوال از منی کوچ کند ولی اگر تا شب کوچ نکند، واجب است که شب سیزدهم نیز در منی بماند.

**مسئله ۲۹۴)**

هر گاه آماده برای خروج از منی شود و از جای خود حرکت کند، ولی از جهت ازدحام نتواند قبل از مغرب از منی خارج شود، پس اگر ماندن برایش در منی ممکن باشد، واجب است شب بماند و اگر ممکن نیست یا ماندن در آنجا دشوار باشد، جائز است که کوچ کند و احتیاطاً یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسئله ۲۹۵)**

کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، بودن روز در منی، بیش از مقدار زمان رمی جمره ها، بر او واجب نیست و بعد از رمی جمره ها می تواند هر جا بخواهد برود.

**مسئله ۲۹۶)**

شب ماندن در منی از اول شب تا آخر آن واجب نیست، بلکه واجب بودن در منی از اول شب تا بعد از نصف شب و یا قبل از نصف شب تا طلوع فجر می باشد، ولی کسی که از اول شب تا بعد از نصف آن، در منی می ماند و بعد از نصف شب از آنجا خارج می شود، سزاوار است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

**مسئله ۲۹۷)**

بیتوته (شب ماندن) در منی بر چند طائفه واجب نیست:

(۱) اشخاص معذور مثل مریض و پرستار و کسی که بر جان و مال خود در منی بترسد.



(۲) کسی که در مکه تمام شب مشغول عبادت باشد و به جز حاجات ضروری مثل خوردن، آشامیدن، تطهیر کردن و امثال آنها، کار دیگری نداشته باشد.

(۳) کسی که طواف کعبه معظمه را نموده و در عبادت باقی مانده و سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته باشد، چنین شخصی می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

### مسئله ۲۹۸

برای سه طائفه فوق الذکر، تأخیر در رجوع به منی، به مقداری که رمی، جمره های سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم فوت نشود، جایز است.

### مسئله ۲۹۹

کسی که بیتوته در منی را در شب یازدهم یا دوازدهم عمداً ترک کند، واجب است که یک گوسفند کفاره دهد و اگر در هر دو شب ترک کند، دو گوسفند کفاره بدهد و مقتضای احتیاط، کفاره دادن است و در صورتی که ترک بیتوته از جهت جهل به وجوب آن یا نسیان وجوب باشد، و همچنین احتیاط در کفاره دادن معذور است، و اما بر کسی که در شب مشغول عبادت در مکه بوده یا اینکه طواف و سعی را در مکه انجام داده باشد و به سوی منی خارج شده و از جهت راه بندان، پیش از طلوع صبح به منی نرسیده، در صورتی که از عقبه مدینین گذشته باشد، کفاره نیست.

### مسئله ۳۰۰

هرگاه در روز دوازدهم از منی کوچ کند ولی بعد از مغرب، در شب سیزدهم به جهت کاری به منی بر گردد، واجب نیست که در منی بیتوته کند بلکه می تواند از منی برود.

## ۱۳- رمی جمرات

### مسئله ۳۰۱

واجب سیزدهم از واجبات حج، رمی جمره های سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم می باشد، و هر گاه شب سیزدهم در منی بماند، رمی جمره ها در روز سیزدهم نیز بنا بر احتیاط واجب خواهد بود.

### مسئله ۳۰۲

رمی جمره ها در حال اختیار، واجب مباحثی می باشد، پس در صورت قدرت و نبودن حرج و مشقت، نایب گرفتن جایز است.

### مسئله ۳۰۳

ترتیب بین رمی جمره های سه گانه واجب است، پس باید اول جمره اولی، پس از آن وسطی و سپس عقبه را رمی کند، پس اگر به خلاف این ترتیب رمی کند واجب است به طوریکه ترتیب حاصل شود رمی کند، هر چند مخالفت از روی نادانی یا فراموشی باشد، ولی اگر جمره سابق چهار ریگ و فراموش نمود و پس از آن جمره بعدی را هفت ریگ زد واجب نیست رمی جمره را از اول

اعاده کند، بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمله سابق بزند، کافی است.

#### مسئله ۳۰۴

شرایطی که در رمی جمره عقبه در روز عید، ذکر شد در رمی جمره های سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم نیز معتبر است. رجوع شود به مسئله ۲۱۶

#### مسئله ۳۰۵

رمی جمره ها باید در روز باشد، پس کسانی که در روز رمی نمی تواند، مانند چوپان و غلام و بدهکاری که می ترسد گرفتار شود، و هر کسی که بر جان و مال و ناموس خود بترسد، می تواند در شب آن روز رمی کند، و همچنین است پیرمرد و زن و بچه که بر جان خود از اذحام می ترسند.

#### مسئله ۳۰۶

هرگاه رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز دوازدهم آن را نماید و هرگاه رمی روز دوازدهم را فراموش کند واجب است قضای آن را در روز سیزدهم به جا آورد، و احتیاط این است که بین اداء همان روز و قضاء روز قبل فاصله بیندازد. پس اول قضای روز قبل را طرف صبح انجام دهد و اداء آن روز را هنگام زوال .

#### مسئله ۳۰۷

هرگاه رمی را در منی فراموش کند، پس از کوچ به مکه، یادش بیاید واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و هرگاه فراموش شده، رمی دو یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین رمی یک روز و روز دیگر مقدار یک ساعت فاصله بیندازد و هرگاه بعد از خارج شدن از مکه یادش بیاید رجوع به او واجب نیست، بلکه باید قضای آن را بنا بر احتیاط در سال آینده خودش یا نائیش انجام دهد.

#### مسئله ۳۰۸

مریضی که امید ندارد تا مغرب حالش خوب شود، باید برای رمی جمرات نائیب بگیرد و اگر اتفاقاً پیش از غروب آفتاب بهبودی پیدا کند و حالش خوب شود، احتیاطاً خودش رمی جمرات را انجام دهد.

#### مسئله ۳۰۹

حجّ به ترک رمی حجرات باطل نمی شود، اگر چه عمداً آن را ترک کند و بنا بر احتیاط در سال بعد خودش یا نائیش آنرا قضاء کند.

### احکام مصدود

#### مسئله ۳۱۰

مصدود کسی است که بعد از احرام بستن برای حج یا عمره، از انجام اعمال آن منع شود.

### مسئله ۳۱۱

کسی که احرام عمره را بسته و از اتمام آن منع شده، در همان مکان منع، قربانی کند و از احرام خارج می شود، و احتیاط این است که حلق یا تقصیر را نیز در همان مکان انجام دهد.

### مسئله ۳۱۲

مصدود و ممنوع از حج، اگر ممنوع از وقوفین بالخصوص و قوف در مشعر باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط اینست که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز نماید.

### مسئله ۳۱۳

هر گاه صد و جلوگیری بعد از درک وقوف عرفات و مشعر باشد، چه اینکه پیش از اعمال منی باشد یا بعد از آن، پس اگر تمکن داشته باشد که برای بقیه اعمال نائب بگیرد، احتیاط این است که قربانی را در محل صد، انجام دهد و برای اعمال باقیمانده نائب بگیرد، و اگر تمکن نائب گرفتن نداشته باشد، وظیفه اش قربانی نمودن در محل صد و جلوگیری، است.

### مسئله ۳۱۴

هر گاه بعد از درک وقوفین صد و منع شود از دخول به مکه، در اینجا تنها قربانی کردن کافی است و نائب گرفتن لازم نیست، و اگر به مکه داخل شود و از طواف زیارت و سعی و طواف نساء منع شود، تنها نائب گرفتن کافی است و قربانی کردن لازم نیست، بنابر احتیاط به جمع

### مسئله ۳۱۵

هر گاه صد و جلوگیری تنها از مناسک منی باشد، پس از نائب گرفتن ممکن باشد، برای رمی جمرات و زبح، نائب می گیرد و بعد از آن سر می تراشد یا تقصیر می کند و محل می شود و طواف زیارت و سعی و طواف نساء را در مکه انجام می دهد و اگر نائب گرفتن ممکن نباشد، باید در محل صد قربانی کند و حلق یا تقصیر نماید و به مکه برگردد از جهت مناسک باقی مانده، و بعد از آن محل می شود نسبت به محرّمات احرام و حتی نسبت به زن و حجّش صحیح است و فقط رمی جمرات به ذمه اش می ماند که احتیاطاً در سال آینده یا بالمباشره و یا به نیابت انجام میدهد.

### مسئله ۳۱۶

اگر صد و جلوگیری قبل از وقوفین باشد و مصدود، از سالهای پیش مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال آینده باقی باشد به قربانی که ذکر شد، حجّ از او ساقط نمی شود، بلکه واجب است در سال بعد، حجّ نماند.

### مسئله ۳۱۷

اگر حاجی بعد از اعمال حج، از بیتوته در منی و رمی حجرات منع شود، حَجّش صحیح است و برای رمی حجرات، در صورت امکان نایب بگیرد و اگر ممکن نشود، بنا بر احتیاط در سال بعد نایب بگیرد.

### مسئله ۳۱۸

هر گاه منع از اتمام اعمال حجّ غیر از صد و حصر، چیز دیگر باشد مثلاً اینکه بعد از احرام بستن، ماشین و سواریش خراب شود یا حیوانی که بر آن سوار است، هلاک شود یا حیوان درنده در راه باشد یا سرما و گرما به حدی باشد که تحملش ممکن نباشد و امثال اینها، مقتضای احتیاط قربانی نمودن در همانجا است تا از احرام خارج شود.

### مسئله ۳۱۹

شخص مصدود که قربانی می کند، فرق بین اقسام آن (از شتر و گاو یا گوسفند) نیست، و اگر قربانی را قدرت ندارد، بدل آن را که روزه گرفتن است بنا بر احتیاط به ترتیبی که گذشت انجام دهد.

### مسئله ۳۲۰

کسی که حجّ خود را به جماع فاسد کرده، مثلاً مصدود شود آیا حکم صد بر او جاری می شود یا نه؟ ظاهر این است که جاری می شود زیرا وظیفه محرمی که حجّ خود را فاسد کرده اتمام همان حجّ است پس در هنگام صد، چون تمام نمی تواند باید قربانی کند و علاوه بر آن کفاره افساد حجّ را نیز بدهد.

### مسئله ۳۲۱

کسی که قربانی همراه خود برده، هر گاه مصدود شود، همان قربانی کفایت می کند و قربانی دیگری بر او واجب نیست.

## احکام محصور

### مسئله ۳۲۲

محصور کسی است که به واسطه بیماری و مانند آن، پس از پوشیدن احرامی نتواند اعمال عمره یا حجّ را انجام دهد.

### مسئله ۳۲۳

هر گاه در عمره مفرده محصور شود، مخیر است بین اینکه در مکان حصر قربانی کند و یا اینکه یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین از احرام خارج می شود، و بر چنین شخصی بعد از به جا آوردن یکی از دو عمل ذکر شده، حلال می شود تمام آنچه که بواسطه احرام حرام شده بود به جز زن، و زن بر او حلال نمی شود، مگر بعد از آنکه خوب شود و عمره مفرده را انجام دهد.

### مسئله ۳۲۴

کسی که در عمره تمتّع محصور شود، حکمش حکم سابق است، بجز آنکه زن هم بر این شخص حلال می شود.

**مسئله ۳۲۵**

هر گاه در احرام حج محصور شود، باز هم حکمش حکم سابق است و احتیاط این است که با زن نزدیکی نکند تا آنکه طواف حج و سعی طواف نساء را در حج یا عمره مفرد انجام دهد، آن وقت زن بر او حلال می شود.

**مسئله ۳۲۶**

هر گاه محصور شود و قربانی خود را بفرستد و بعد از آن مرضش سبک تر شود، اگر گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نمود، واجب است خود را به حجاج برساند، و اگر هر دو موقف یا فقط مشعر را درک نمود حج را درک نمود حج را درک کرده است، و اگر مشعر را درک نکرده و قربانیش کشته نشده حج او بدل به عمره مفرد می شود و قربانیش کشته شده، از احرام خارج شده و تمام محرمات بر او حلال شده است به جز زن، و بنا بر احتیاط بر او واجب است که طواف حج و نمازش و سعی و طواف نساء و نمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود.

**مسئله ۳۲۷**

هر گاه حصرش فقط از مناسک و واجبات منی باشد، حکم محصور، بر او جاری نمی شود و برای رمی جمرات و قربانی نایب گرفته و خود، حلق یا تقصیر نموده و به مکه می رود تا مناسکش را انجام دهد، و اگر نایب گیرش نیاید، پول قربانی را نزد شخص امینی به امانت می گذارد که به جای او قربانی کند، و خود، حلق یا تقصیر نموده، به مکه می رود و اعمال مکه را بجا می آورد، و احتیاط این است که رمی را در سال بعد، خودش یا نایبش به جا آورد.

**مسئله ۳۲۸**

هر گاه بعد از وقوفین و اعمال منی، فقط از رفتن به مکه و اداء مناسکش محصور شود، برای اداء مناسک مکه نایب بگیرد و وظیفه محصور را نیز بنا بر احتیاط انجام دهد و آن ذبح هدی است و پس از اعمال نایب و ذبح هدی تمام محرمات احرام، حتی زن بر او حلال می شود.

**مسئله ۳۲۹**

هر گاه محصور شود و قربانی را به سوی منی بفرستد و پیش از آنکه هدی به محلش برسد، سرش او را اذیت کند جائز است گوسفندی را در محل حصر ذبح کند یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را طعام کند به دادن دو مد طعام به هر مسکین، و سرش را بتراند.

**مسئله ۳۳۰**

محصولی که وقوف معشر را درک نکرده باشد، به واسطه ذبح هدی محل می شود و اگر استطاعتش از سالهای قبل بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حج از او ساقط نیست باید در سال آینده حج را انجام دهد.

**مسئله ۳۳۱**

هر گاه محصور نه قربانی و نه پولش را داشته باشد، باید ده روز روزه بگیرد، چنانچه گذشت

### مسئله ۳۳۲

مستحب است که وقت احرام بستن با پروردگار خود شرط کند، که هر جا نتواند اعمال را از جام دهد از احرام بستن بیرونش آورد. هر چند بیرون آوردن از احرام متوقف به آن شرط نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر یا مانعی پیدا کرده به وظیفه مصدر و محصور عمل کرد از احرام بیرون می آید، چه شرط مذکور را کرده باشد یا نکرده باشد.

### مسئله ۳۳۳

در گذشته معلوم بود که حج تمتع در بعضی احیان و درب حج افراد می شود، لهنابه طور اجمال کیفیت حج افراد را بیان می کنیم .

### مسئله ۳۳۴

محشور بین فقها این است که حج افراد پیش از عمره به جا آورده می شود و مقتضای احتیاط هم همین است.

### مسئله ۳۳۵

حج افراد با حج تمتع در عده ای از اعمال اشتراک دارد و در چند چیز با هم فرق دارند: ۱- حج افراد لازم نیست متصل به عمره و در یک سال باشد و حج تمتع در یک سال باید بعد از عمره انجام داده شود چنانچه گذشت. ۲- آنکه در حج افراد قربانی لازم نیست ولی در حج تمتع چنانچه بیان شد قربانی لازم است. ۳- آنکه در حج افراد جایز است در حال اختیار طواف زیارت و سعی حج را بر وقوفین مقدم نمود ولی در حج تمتع تقدیم جایز نیست. ۴- آنکه احرام حج تمتع باید از مکه باشد، و احرام حج افراد میقات است اگر منزلش دورتر از میقات باشد، و اگر نزدیک تر از میقات باشد از منزلش احرام می بندد. ۵- آنکه عمره حج افراد را می شود پیش از حج یا بعد از آن انجام داد، و احوط این است که بعد از حج انجام دهد ولی در حج تمتع باید عمره پیش از حج بجا آورده شود. ۶- آنکه بعد از احرام حج افراد جائز است طواف مستحبی انجام داد، ولی در حج تمتع بنا بر احتیاط واجب پس از احرام جائز نیست طواف مستحبی انجام داده شود.

### مسئله ۳۳۶

هر گاه در یکی از مواقیت جهت عمره تمتع احرام بست و وارد مکه شد و نتوانست عمره تمتع را به جا آورد وظیفه اش عدول به حج افراد می باشد مثل زن حائض چنانچه گذشت و همان احرام جهت حج افراد کافی است.

### مسائل متفرقه

### مسئله ۳۳۷

احرام حج باید از مکه بسته شود، و مقتضای احتیاط واجب آن است که از مکه قدیمه احرام ببندد نه از محلات جدیده مثل عزیزیه و شیشه و خنا و امثال آن .

**مسئله ۳۳۸)**

هرگاه حاجی در شهر مکه قصد اقامه کند و در عرفات و منی و مشعر برود در صورتی که مسافت بین مکه و مناطق مذکوره کمتر از چهار فرسخ باشد در تمام این مناطق وظیفه اش تمام است نه شکسته.

**مسئله ۳۳۹)**

اگر حاجی قصد داشته باشد در مکه و عرفات و مشعر و منی ده روز بماند نمازش در تمام این امکان شکسته می باشد.

**مسئله ۳۴۰)**

با آنکه مسجد تنعیم داخل شهر مکه قرار گرفته اگر در آنجا جهت عمره مفرده احرام ببندد باید تا محل اقامت یا مسجدالحرام در ماشین های سرپوشیده نرود و چتر نیز در حال راه رفتن بر سر نگیرد، و اگر زیر سایه برود باید کفاره بدهد.

**مسئله ۳۴۱)**

مقتضای احتیاط این است که در محلات جدید شهر مکه از تظلیل و زیر سایه مشی کردن اجتناب کند همچنانکه احرام بستن برای حج از آنجا اشکال دارد.

**مسئله ۳۴۲)**

خدمه کاروان ها که وقوف اختیاری مشعرالحرام رادرک نمی کنند چون قبل از طلوع فجر از مشعرالحرام کوچ می کنند نمی توانند نائب حج شوند .

**مسئله ۳۴۳)**

قربانی کردن در محل قربانی فعلی که گفته می شود خارج از منی می باشد اشکال دارد پس هر کس برایش مشقت دارد که در منی قربانی کند در مذبح فعلی قربانی می تواند و برای کسی که مشقت ندارد باید در منی قربانی کند.

**مستحبات سفر**

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد مستحب است که از حضرت جل و علا طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آنکه به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید و وقتی که برای مسافرت مهیا شده مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی فاتحه الکتاب و سوره توحید را بخواند و بگوید:

"اللهم انی اتقرب الیک بهن فاجعلهنّ خلیفتی فی اهلی و مالی."

و مستحب است بدرب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و بهمین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید:

"اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلّمنی و سلّم ما معی و بلّغنی و بلّغ ما معی بیلاغک الحسن الجمیل."

## مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

- ۱ - آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.
- ۲ - کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعده و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند و بعضی از فقهاء بوجوب آن قائل شده اند و این قول اگر چه ضعیف است ولی احوط است.
- ۳ - آنکه پیش از احرام غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود حائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرامست باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام بحدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَأَعْتِدُ فِيهِ رَبِّي وَأَتْتِهِ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَّ دُتَّهُ قَبْلَعْنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حَصِينِي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَدُخْرِي وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي."

۵ - آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

- ۶ - آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمَّنَ بَوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صِلَاوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقْوِينِي عَلَى مَا ضَعَفْتُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقْمَةٍ بَعِيدَةٍ وَانْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صِلَاوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ."

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

- ۱ - احرام در جامه سیاه بلکه احوط ترک آنست و افضل احرام در جامه سفید است.
- ۲ - خوابیدن محرم در رخت و بالش زرد رنگ
- ۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آنستکه مکلف مادامی که در حال احرام است آنرا



نشوید.

۴- احرام بستن در جامه راه راه .

۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی بلکه احوط آنست که محرم بدن خود را با کیسه و نحو آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید بلکه احوط ترک آنست.

## مستحبات دخول حرم

همینکه حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا- پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذَنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقْمَةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِتِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتِغِي بِذَلِكَ الزَّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَىٰ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لِمَدِيكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِتُدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ."

۴- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آنرا مضغ نماید (یعنی بجود) .

## مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

## آداب مسجد الحرام و مکه معظمه

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در " بنی شیبه " وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است و بهتر است اینکه از باب السلام وارد شود و مستقیماً حرکت کند تا از سطونها تجاوز کند، در این صورت دخول او از باب بنی شیبه محقق می شود.

و در در ورودی مسجد بایستد و بگوید:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ."

سپس داخل مسجد شود و دستهای خود را بلند کند و رو به بیت بایستد و بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكَ كِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَدَلُ

بَلَدُكَ وَالْبَيْتَ بَيْتَكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِيَّاكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ  
اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ."

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

"بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى  
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى  
خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ  
حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ  
عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي  
بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلِّ ثَنَاءً وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ  
يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَيَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَيَاتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا  
رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخِدْعَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ (لَكَ خ ل) كُفُوًا  
أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ  
تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ بَزِيرَاتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ."

پس سه مرتبه می گوید:

"اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ."

پس می گوید:

"وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَأُ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ."

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

"أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدْعُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ  
الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يَدْعِي مِنْ دُونِ اللَّهِ."

پس نزدیک حجر الاسود رفته و آنرا استلام نماید و بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ  
وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِدْعُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ  
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد چنانچه وقت دخول مسجد سلام میداد آنگاه میگوید:

"أَنْتِي أَوْ مِنْ بوعدك و اوفى بعهدك"

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و  
صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن  
ممکن نشد با دست استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

"اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ وَخِدْعُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ  
كُلِّ نِدٍّ يَدْعِي مِنْ دُونِ اللَّهِ."

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

"اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ شَيْبَتِي وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ."

## آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا."

و حاجت خود را بطلبد و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَكِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي."

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان نگاه نموده و بگوید:

"اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السَّقَمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ."

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

"يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ."

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

"يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ."

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شَرَارَ خَلْقِكَ."

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید:

"رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ."

و در شوط هفتم وقتی که به مستحار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

"اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ."

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

"اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَأَغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ."

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

"اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي."

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط آرکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:  
"أَمَانَتِي أَدِيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ."

### مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین میگفت:

"سَيَجِدُ لَكَ وَجْهِي تَعَدِيداً وَرِقاً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا نَادَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَةً يَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ."

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد، و بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی مستحبست بنزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آنرا به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ."

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالایی صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و از نعمتهای الهی به خاطر اندازد آنگاه این اذکار را بگوید:

"الله اکبر" هفت مرتبه "الحمد لله" هفت مرتبه "لا اله الا الله" هفت مرتبه "لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت و هو علی کل شیء قدیر."

سه مرتبه، پس صلوات بر محم و آل محمد بفرستد پس بگوید:

"الله اکبر علی ما هدانا و الحمد لله علی ما ابلانا و الحمد لله الحی القیوم و الحمد لله الدائم."

سه مرتبه، پس بگوید:

"أشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله لا نعبد الا اياه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون."

سه مرتبه، پس بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ."

سه مرتبه، پس بگوید:

"اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ."

سه مرتبه، پس بگوید:

"الله اکبر" صد مرتبه "لا اله الا الله" صد مرتبه "الحمد لله" صد مرتبه "سبحان الله" صد مرتبه، پس بگوید:

"لا اله الا الله و حده وحده انجزه وعده و نصر عبده و غلب الاحزاب وحده فله الملك و له الحمد وحده اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت اللهم ائی اعوذ بک من ظلمه القبر و وحشته اللهم اظننی فی ظلّ عرشک يوم لا ظل الا ظلك."

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را بخداوند عالم پس بگوید:

"استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضيع ودايعه ديني و نفسي و اهلي اللهم استعملني على كتابك و سنه نبيك و توفني على ملته و

اعذني من الفتنة"

پس بگوید: "الله اکبر" سه مرتبه.

پس آنها را دو مرتبه تکرار کند پس یکبار تکبیر بگوید و باز آنها را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که میتواند بخواند. و مستحب است که این دعا را بخواند:

"اللهم اغفر لی کلّ ذنب اذنبته قطّ فان عدت فعد علی بالمغفره فانّک انت الغفور الرّحیم اللهم افعّل بی ما انت اهلّه فانّک ان تفعّل بی ما انت اهلّه ترحمنی و ان تعدّبنی فانت غنی عن عذابی و انا محتاج الی رحمتک فیا من انا محتاج الی رحمته ارحمنی اللهم لا تفعّل بی ما انا اهلّه فانّک ان تفعّل بی ما انا اهلّه تعدّبنی و لم تظلمنی اصبحت اتقی عدلک و لا اخاف جورک فیا من هو عدله لا یجور ارحمنی"

در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن در صفا را طول دهد و بدانکه مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جائی که بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا بمرور نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز بهمان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است در گریه کردن سعی کند و خود را به گریه وادارد در حال سعی دعاء بسیار کند.

### مستحبات احرام تا وقوف بعرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حجّ نیز مستحب است و پس از اینکه شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد همینکه بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

"اللهم ایاک ارجوه ایاک ادعو فبلّغنی املی و اصلح لی عملی."

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون بمنی رسید بگوید:

"الحمد لله الذی اقدمنیها صالحاً فی عافیه و بلغنی هذا المكان."

"اللهم هذه منی و هی مما مننت به علینا من المناسک فاسالک ان تمنّ علی بما مننت علی انبیائک فانّما انا عبدک و فی قبضتک."

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و باطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آنست که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط آنست که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه و از بعضی حرمت آنرا نقل نموده اند مگر از برای ضرورت مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند.

"اللهم الیک صمدت و ایاک اعتمدت و وجهک اردت اسالک ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی و ان تجعلنی ممّن تباهی به الیوم من هو افضل منی."

و تا رسیدن به عرفات تلبیه بگوید.

### مستحبات وقوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵- وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.

۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه: "اللَّهُ أَكْبَرُ" و صد مرتبه: سوره "توحید" را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

"اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالنَّاسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَلَا تَسِدْ تَدْرِجِنِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا."

و حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

"اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِينِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يَرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيَّتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَذَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ۙ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ."

۸- این دعا را بخواند:

"لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي (براهن) خ (ل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوِسِ الصَّيْدُورِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصِيرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَقْعِدِي وَمَقَامِي وَمِدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبَّ يَوْمَ الْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ."

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات تقصیر نکند.

۹- آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

"سُبْحَانَ اللَّهِ " صد مرتبه "اللَّهُ أَكْبَرُ" صد مرتبه " ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ " صد مرتبه " أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيَحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ " صد مرتبه.

پس از اول سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

"إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجْمُ مَسِيرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُضْيَةً إِنَّهُ لا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ."

پس سوره "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ" و سوره "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ" را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

"اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ."

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید

نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

"هو الله الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ. هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ."

و این دعا را بخواند:

"أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمِيعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى لِمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِأَسْمَائِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِأَسْمَائِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِأَسْمَائِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي."

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

"أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ" و هفتاد مرتبه "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ."

پس بخوان این دعا را:

"اللَّهُمَّ فَكُنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ."

۱۰ - آنکه نزدیکی غروب آفتاب بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشَدَّتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أُمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بَعْفُوكَ وَأُمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأُمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأُمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأُمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ."

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیهما خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

"اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ قَدْرِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ قَدْرِكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي."

و بسیار بگوید:

"اللَّهُمَّ اغْتَنِي مِنَ النَّارِ."

### مستحبات وقوف بمزدلفه

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

"اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوَقُّفِي وَرَدِّهِ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي."

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه بتأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از

رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نینداخته و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الْمَدَى سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ."

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و بعضی بوجوب آن قائل شده اند و این دعا را نیز بخواند:

"اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَةِ الْجَنِّ وَالْبَائِسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرٌ مِدْعُوٌّ وَخَيْرٌ مَسْئُولٌ وَلِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعِذْرَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي."

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه بسوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

"اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي."

### مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال رمی.
- ۲ - هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:  
"اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي."
- ۳ - با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.
- ۴ - هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:  
"اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ اذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُوراً وَعَمَلًا مَقْبُولاً وَسَعِيًّا مَشْكُوراً وَذَنْبًا مَغْفُوراً."

- ۵ - میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.
- ۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.
- ۷ - سنگریزه را برانگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ - پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ."

### مستحبات هدی (قربانی کردن)

مستحبات هدی چند چیز است:



۱- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲- قربانی بسیار فربه باشد.

۳- در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

"وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي."

۵- اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

### مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتداء کند و این دعا را بخواند:

"اللهم اعطني بكل شعرة نوراً يوم القيامة."

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

### مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ."

پس بنزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

### مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

"اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمِيدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْزَلْنَا."

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هرکس در آنجا صد مرتبه "سُبْحَانَ اللَّهِ" بگوید ثواب آن برابر ثواب

بنده آزاد کردن است، و هرکس در آنجا صد مرتبه "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه "أَلْحَمْدُ لِلَّهِ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

### مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

- ۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
- ۲- ختم نمودن قرآن.
- ۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:  
"اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ."  
و نیز بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ."  
۴- نظر نمودن به کعبه و اکتثار از آن.
- ۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.
- ۶- هنگام توقف در مکه بعدد ایام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.
- ۷- شخص صروره به خانه کعبه داخل شود و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:  
"اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنَ عَذَابِ النَّارِ."  
پس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد، "حم سجده" و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند.
- ۸- دور رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:  
"اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعْيَدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَاعْتَدَدْتُ وَاسْتَعَدَدْتُ رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي آتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبْنِي بَرَعْبَتِي وَلَا تُرْذِنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمَ عَظِيمٍ يَا عَظِيمَ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمَ أَنْ تُعْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ."  
و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه "اللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید پس بگوید:  
"اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ."  
بعداً پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

### طواف وداع

بدانکه برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب

گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِبًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ."

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

### زیارت رسول اکرم بعد از حج

بدانکه از جمله امور مستحبیه که بسیار موکد است این است که شخص هنگام برگشتن از راه مدینه طیبه برگردد تا آنکه زیارت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و ائمه بقیع علیهم السلام مشرف گردد.

### زیارت حضرت رسول اکرم (ص)

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ."

### زیارت حضرت صدیقه (ع)

يَا مُمْتَحَنَةً اِمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَرَعْمَنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيهِ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّ نَبِّئْنَا بِتَصَدِيقِنَا لِهَمَّا (بالبشرى - خ ل) لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ."

### زیارت جامع که هر یک از ائمه (علیهم السلام) به آن زیارت میشود

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصِيْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمْنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْإِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنُّ وَالَاهُمْ فَقَدُوا إِلَى اللَّهِ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدُوا عَادَى اللَّهِ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدُوا عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدُوا جَهَلَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدُوا اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدُوا تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَحَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و الحمد لله أولاً و آخراً."

### دعاء الحسين (ع) يوم عرفه

روی ان بشر و بشیر ولدا غالب الاسدی انهما قالوا لما كان عصر عرفه في عرفات و كنا عند ابی عبدالله الحسين عليه السلام، فخرج

عليه اسلام من خيمته مع جماعه من اهل بيته و اولاده و شيعة بحال التذلل و الخشوع و الاستكانه ، فوقف في الجانب الايسر من الجبل و توجه الى الكعبه و رفع يديه قبال وجهه كمسكين يطلب طعاما و قرا هذا الدعاء:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصَيْعِهِ صَيْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَيْدَانِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَاعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَاوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّرًا بِأَنَّكَ رَبِّي، إِلَيْكَ مَرَدِي، إِثْتِدَائِي بِنِعْمَتِكَ قَبِيلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسَيْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَبِّ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلبِ إِلَى رَحِمِ، فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَلُطْفِكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبِيلِ رُوْفَتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِحِ نِعْمَتِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِي يَمْنِي، وَأَسَيْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثَ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِيًا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا- صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا، وَعَظَّمْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمٌ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتَ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِحَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي آيِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَيْثُ إِذَا اكْتَمَلْتَ فَطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتَ مَرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنَّ الْهُمْنَتِي مَعْرِفَتِكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَابِ حِكْمَتِكَ، وَأَيَقَطْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّئْتَنِي لِشُكْرِكَ، وَذَكَرْتَنِي، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَدَرْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يَزِلُّنِي لِمَدِيكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبْدِئِ مُعِيدِ، حَمِيدِ مُجِيدِ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظَّمْتَ الْأَوْكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عِدْدًا وَذَكَرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يَحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَدَرْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي، وَخَالِصِ صِيرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْتُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي، وَأَسَارِيرِ صِيْفَحِي جَبِينِي، وَخُزُقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخِذَارِيفِ مَارِنِ عَزِينِي، وَمَسَارِبِ سِيْمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضَمَمْتَ وَأَطَبَقْتَ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا شَتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي، وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَابِطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي، وَمَا حَوَّثَهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَسْرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخَى وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَمَا اتَّسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مَنِي، وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسَيْكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ، سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَرَ زَنَاهُ عِدْدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمِيدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالتَّيَّ الصَّادِقِ، وَأَنْ تَعِيدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصِيهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاءُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَاءُكَ وَرُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مُوروثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ

فِيضَادُهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٍّ مِنَ الدَّلِّ فَيَزِيدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا، وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيََائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم."

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود پس فرمود:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْبِعْ عِدْنِي بِتَقْوَايِكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَأْرِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِدَلِيلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُؤْ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَكُفِّ رِهَانِي، وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَجْرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّمْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَيِّئْ لِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمَنْ كُلِّ خَيْرٍ أُعْطِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَيِّئَتِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَمْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا الْبَسَيْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصِّدَاقِي، وَيَسِّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاقْنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاقْنِي، وَمَا أَحْذَرُ فِقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْزُنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُقْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَدَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِدُّوْبِي فَلَا تَفْضُخْنِي وَبَسِيرِي تِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعْمَتِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكْلُنِي، إِلَهِي إِلَيَّ مِزْنٌ تَكْلُنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهَمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتُهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُخَلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنَزِّلْ بِي سَيْخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الدُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عَدْتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحِدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَالْهَى آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَّجِبِينَ، مُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلِ كَهْيَعِصَ وَطِهَ وَيَسَ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينُنِي الْمَيْدَاهِبَ فِي سَعْيَتِي، وَتَضَيِّقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنُّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ يَغْتَرُّونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَيْدَلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْزَمَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ يَلْمُهُ، إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَيَّدَ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطِعُ أَيْدَاءُ، يَا مُقِيضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَةِ مَلَكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُوبَ، وَمُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ، وَفَنَاءِ عُمَرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْفِهِ، يَا مَنْ اسْتَفْتَدَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدَوْنَا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُورَ رِزْقُهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ

وَكَذَبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا يَدِي يَا بَدِيْع، لَا نَدْلِكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُجِيبَ الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ حَظِيَّتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَبْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمَةٌ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَيَّدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَردَدَنِي، وَمُقَلًّا فَاعَانَنِي، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسِكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِّ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَ رَنِي عَلَى عِدْوِي، وَأَنْ أَعِدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَيَّدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْلَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي اعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُزْهَا لِي، أَنَا الَّذِي آسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاعْفُزْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْعَظِيمُ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ بَحْتِ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَانْتَصِرْ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلْتُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بِيصْرِي، أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يَعِيرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يَعَاقِبُونِي، وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَوْ فَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهِيَ أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ، حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةَ فَاعْتِذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةَ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةَ فَاحْتِجْ، بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحِدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَأَنِّي ذَلِيكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَطَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكِيمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعِدْتَنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ تَعْفَ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسِيئِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤْحِدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَافِيْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِيْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَهْلِيِّْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّيِّئِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسِيَّبِيْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبَرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا تَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجَّدًا، وَإِحْلَاصِي بِذِكْرِكَ مُوَحَّدًا، وَإِفْرَاقِي بِالْإِنْتِكَ مَعْدَدًا، وَأَنْ كُنْتُ مُقْرَأًا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا، وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُّمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ، مِنْ الْإِعْنََاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَتَسْيِيبِ الْيَسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبِدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِيكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي آلاؤُكَ، وَلَا يَبْلُغُ تَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَأَسْئَلُكَ بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْتَسِفُ الشُّوْءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتُشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْزِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونِكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ

قَدِيرٍ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِضْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَضِيرُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَعْمَدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ حَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَايَ، وَأَسْرِعُ مِنْ أَجَابِ، وَأَكْرَمُ مِنْ عَفَايَ، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَيَامُولٌ، دَعْوَتُكَ فَاجَبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَزَحَمْتَنِي، وَوَثِقْتُ بِكَ فَجَبَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَنِّئْنَا عَطَاءَكَ، وَاكْتُبْنَا لِمَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِإِيَّتِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرًا، وَقَدَّرَ فَهْرًا، وَعَصَى فِئْتًا، وَأَسَى تَغْفَرًا، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرِ رِجَالِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِإِذْلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصِلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، الْمُتَشَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَمَّا، فَالِيكَ عَجَبَتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ نَصيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورَ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهَ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقَ تَبْسِطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبِلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعْتَمِدْنَا عَلَى مَنَاسِكَنا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا، وَأَعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَصَدِّقْ مِدَدَنَا إِلَيْكَ أَيَّدِنَا فِيهِ بِإِذْنِهِ الْأَعْتِرَافِ مَوْسُومِيَّةً، اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ، نَافِذًا فِيْنَا حُكْمَكَ، مُحِيطًا بِنَا عِلْمَكَ، عَيْدَلٌ فِيْنَا قَضَاؤَكَ، أَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ، وَدَوَامِ الْبَيْسِ رِ، وَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَضِيرْ عَنَّا رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَنَفْنَا وَسَيِّدْنَا وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوقًا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ، وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمُجْدُ، وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

"

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیدهای مبارکش آب میریخت مانند دو مشک و بصدای بلند میگفت:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ.

پس مکرر می گفت یا رب. و کسانی که دور آنحضرت بودند بتمام گوش داده بودند بدعاء آنحضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد بگریستن با آنحضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و بجانب مشعر الحرام روانه شدند. محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف میفرماید کفعمی دعاء عرفه امام حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی

در زاد المعاد این دعا را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاوس در اقبال بعد از ذکر یا رب یا رب این زیاد یرا ذکر فرموده:

"إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَاهِلًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ، وَسِرِّعَةَ طَوَّاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءِ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءِ، إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَيْفَتْ نَفْسِكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وَجُودِ ضَمْنِي، افْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعِيدَ وَجُودِ ضَمْنِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَيَفْضَلِكُ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَقَدْ تَكَلَّمْتَنِي لِي، وَكَيْفَ أَضَامَ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيْبُ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا اللَّطْفُكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَيْحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَخْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ، وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا آيَسْتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعُنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مُسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ، وَمَشِيئَتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِإِنْدِي مَقَالَ مَقَالًا، وَلَا لِإِنْدِي حَالَ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَهُ شَيْدَتْهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالُنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فِ لَأَجْزَمَا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْفَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزِّمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوَجِّبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وَجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إِلَهِي أَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأَشْيَتِ بَصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتَ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهَمِّ عَنِ الْاعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْرُونَ، وَصِدَّقْنِي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْمِلْكَ بِي مَسْمِلِكَ أَهْلَ الْحَيْذِبِ، إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِنْنِي عَلَى مَرَكَزِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرَجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشَرَكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرُنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكَلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تُحَرِّمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أُنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِإِيَّاكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِهَدَايَتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِينِي، وَإِنَّ أَهْوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسِيرُنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرُ لِي، حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يَجُوبُوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجِدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يَرْجِي سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِثْنَانِ، يَا مَنْ أَدَاكَ أَحْيَاءُهُ خِلَاوَةَ الْمُؤَانِسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَفْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْزِبْنِي بِمَنْنِكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ



خَوْفِي لَا- يَزَالُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْفَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيْبٌ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانَ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا- أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسْتَجْتِنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرِ آءِ أَقْمَنْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غِيَابًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتِ الْأَثَارُ بِالْأَثَارِ، وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سِرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ."

### دعاء علی بن الحسین (ع) (در صحیفه سجادیه) در روز عرفه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمِيدُ يَدِيحُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَالُوهِ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَغْرُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَخِيدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكْرِمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَطِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمُجَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ وَأَنْتَ اللَّهُ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِتْنَخٍ، وَصَوَّرْتَ مِمَّا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مَنَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُتَبَدِّعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ. (۱۳) أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَبَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَبْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَعْصِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ. أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مِمَّا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نَصِيْفًا مَا حَكَمْتَ. أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْوِيكَ مَكَانٌ، وَ لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَ لَمْ يَعْصِكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ. أَنْتَ الَّذِي أَحْ صَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ. أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَ لَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونُ مَوْلُودًا. أَنْتَ الَّذِي لَا ضَمَدٌ مَعَكَ فَيَعَانِدُكَ، وَ لَا عَدَلٌ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَ لَا نَدٌّ لَكَ فَيَعَارِضُكَ. أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ، وَ اسْتَبَدَّ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ. سُبْحَانَكَ مَا أَجَلُّ شَأْنِكَ، وَ أَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانِكَ، وَ أَضْدَعُ بِالْحَقِّ فُرْقَانِكَ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مِمَّا أَلْطَفَكَ، وَ رَعُوفِ مِمَّا أَرَأَفَكَ، وَ حَكِيمِ مِمَّا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مِمَّا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادِ مِمَّا أَوْسَعَكَ، وَ رَفِيعِ مِمَّا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِذِيْنِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ وَ لَا تُكَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُتَارَعُ وَ لَا تُجَارَى وَ لَا تُتَمَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَاطَرُ سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ حَيْدٌ. وَ أَمْرُكَ رَشْدٌ، وَأَنْتَ حَى صَيِّمٌ. سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَ قَضَاؤُكَ حَتْمٌ، وَ إِزَادَتُكَ عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ لِمَا رَادَ لِمَسِيَّتِكَ، وَ لَا مَيِّدَلٌ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ يَا هَرِ الْأَيَاتِ، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ، بَارِي النَّسِيْمَاتِ لَكَ الْحَمِيدُ حَمِيدًا يَدُوْمُ بِدَوَامِكَ وَ لَكَ الْحَمِيدُ حَمِيدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ. وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ. وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْضِي عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ حَمِيدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يَقْرَبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمِيدًا يَسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يَسْتَدَعِي بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ. حَمِيدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَ يَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً. حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتُهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يَعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ. حَمِيدًا يَكْمُلُ لِمَدِيكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جِزَاءٍ جِزَاؤُهُ حَمِيدًا ظَاهِرُهُ وَفَّقَ لِبَاطِنِهِ، وَ

بَاطِنُهُ وَفَقِّ لَصِدْقِ النَّبِيِّ حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ حَمْدًا يَعَانُ مَنِ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيْتِهِ. حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ. حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيَّ قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مَمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. حَمْدًا يُوَجِّبُ بِكَرَمَتِكَ الْمَزِيدَ بُوْفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِيدِ بَعِيدٍ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ، وَ يَقَابِلُ عَزَّ جَلَالَتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُضِطْفَى الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانِكَ، وَ يَنْصَلُّ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَانِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعَفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُزُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعِيدُهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفِظْتَهُ دِينِكَ، وَ خَلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَّجِكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا يَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسِيلَةَ إِلَى جَنَّتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ، وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمِدَّ فِي أَوْلِيَّهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمِيدِهَا، وَ لَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَ مَيَا دُونِهِ، وَ مِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عِيدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُصَلِّةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَيْدَاءَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مَآ أَقَمْتَهُ عَالَمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخَّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَصْدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ أَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ امددْهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَبِ. وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سِيْرَنَ رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَيَا أَمْيَاتِهِ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلِبْ بِهِ صِدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قُصْدِكَ عِوَجًا وَ الْوَلْنَ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَ هَيِّبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سِيَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سِيَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُتَّقِنِينَ آثَارَهُمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبَّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجْزَلْتَ فِيهِ عَظِيمَتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِبَاءَهُ، فَجَعَلْتَهُ مَمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَيْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ، وَ أَرَشَدْتَهُ لِمَوَالِئِهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ مَعَادَاهُ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَ رَجَزْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ، وَ لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَيَّوَاهُ إِلَى مَيَا زَيْلَتِهِ وَ إِلَى مَيَا حَذَرْتَهُ، وَ أَعْيَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عِدُوْكَ وَ عِدُوْهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِعًا لِعَفْوِكَ، وَائْتِقًا

بِتَحَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ. وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الدُّنُوبِ تَحَمُّلَتُهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا بِصِيِّ فَحِكَ، لَأِذَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يَجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. فَعِيدُ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ افْتِرَافٍ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنَ الْقِيِّ بِبِدَةِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاطَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمْلِكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيًّا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ إِنِّي وَ إِن لَمْ أَقْدِمُ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنكَ، وَ أَتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتِيَ مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتَيْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثَّقَفِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ. وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ حَيْفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّدًا وَ تَلَوُّدًا، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. وَ أَنَا بَعِيدٌ أَقْلُ الْأَقْلِينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يَعْجَلِ الْمُسَيِّئِينَ، وَ لَمَّا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَ يَأْمَنُ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَنْفَضُّ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ. أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا. أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ. أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمْنَكَ. أَنَا الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ، وَ لَمْ يَخْفِ بِأَسِيكَ. أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ أَنَا الْمُزْتَهَنُ بِبِلِيَّتِهِ. أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبَتْ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ أَصِطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مِنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالِمَاتَهُ بِمَوَالِمَاتِكَ، وَ مَنْ نُطِتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّمُدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَادَ بِأَسِيَّتِغْفَارِكَ تَائِبًا. وَ تَوَلَّيْتُ بِمَا تَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الرُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ. وَ تَوَخَّذَنِي بِمَا تَوَخَّذُ بِهِ مِنْ وَفَى بَعْدِكَ، وَ أَنْعَيْتَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ. وَ لَمَّا تَوَخَّذَنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدَّدِي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوَزَةَ أَحْكَامِكَ. وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجٍ مِنْ مَنَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. وَ تَبَهَّنِي مِنْ رَقَدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سَنَنِهِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسِيهِ الْمَحْذُولِينَ وَ خَذُّ بَقْلِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلَتْ بِهِ الْفَاقِتِينَ، وَ اسْتَعْبَدَتْ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتَنْفَذَتْ بِهِ الْمُتَهَوِّوِينَ. وَ أَحَدَّنِي مِمَّا يَبَاعِدُنِي عَنكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحْوَلُ لَدَيْكَ وَ سَهَّلَ لِي مَسِيْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمَشَاحَةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ. وَ لَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسِيءِ خَائِفِينَ بِمَا أَوْعَدْتَ وَ لَا تَهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تَهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ وَ لَا تَجُورَنِي فِيمَنْ تَسْبُرُ مِنَ الْمُتَحَرِّفِينَ عَن سُبُلِكَ وَ نَجِّنِي مِنَ عَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوِي، وَ أَجْرِنِي مِنَ أَحْزَانِ الْإِمْلَاءِ. وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِدُوِّ يَصِيْلُنِي، وَ هَوَى يُوَقِّنِي، وَ مَنَقَصِي تَزْهُقْنِي وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ لَا تُؤَسِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطْنِي مِمَّا تَحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. وَ لَا تُرْسَلْنِي مِنْ يَدِكَ إِزْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِنَابَةَ لَهُ وَ لَا تَزِمْ بِي رَمِي مَن سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْجَزَى مِنْ عِنْدِكَ، يَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَ وَهَلْبَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ زَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ، وَ وَرْطَةِ الْهَوَالِكِينَ. وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مِنْ عُيْنَتِ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشَّتْهُ حَمِيدًا، وَ تَوَفَّيْتَهُ سَعِيدًا وَ طَوْفَنِي طَوْقَ الْأُقْلَاعِ عَمَّا يَحْبُطُ الْحَسِنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ وَ أَشْعُرِ قَلْبِي الْإَزْدِجَارِ عَن قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوِيَا. وَ لَمَّا تَشْغَلْنِي بِمَا لَمَّا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِحُكِّ عَمَّا لَا يَرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَا تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصِيدُ عَن ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تُذْهِلُ عَن التَّقَرُّبِ مِنْكَ. وَ زَيْنُ لِي التَّفَرُّدِ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ تَقْطَعْنِي عَن رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَعْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ. وَ هَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سِرْبَلْنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ، وَ رُدَّنِي رِدَاءَ مُعَافَاةِكَ، وَ جَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَاتِكَ، وَ ظَاهِرْ لَدَيْ فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ وَ أَيْدِي بَتَوْفِيْقِكَ وَ تَشْدِيدِكَ، وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّيِّهِ، وَ مَرْضِي الْقَوْلِ، وَ مُسَيِّحِ الْعَمَلِ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلْقَائِمِ، وَ لَا تَفْضُخْنِي بَيْنَ يَدِي أَوْلِيَائِكَ، وَ لَا تُسَيِّنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي

أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لَأَلَّا تُكْ، وَ أَوْزَعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اعْتَرَفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ. وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَ حَمِيدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمِيدِ الْحَامِدِينَ وَ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا تُهْلِكْنِي بِمَا. أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْهِنِّي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَاتِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْمُضَلِّ، وَ أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلِ التَّقْوَى، وَ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ. فَأَحْسِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمْنِي مَيْتَةً مِنْ يَسَعِي نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ. وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ ضَمَّنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْزُقْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ اغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِي عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا. وَ اعْزِدْنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْيَادِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الدُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَغَمَّدْنِي فِيْمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبُطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَنِّبْنِي مِنْهَا لَوْ أَدَا بِكَ، وَ إِذْ لَمْ تُقْمِنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقْمِنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ وَ اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مَنِّكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَفْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَفْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بِهَوَائِي، وَ لَا تَسْمِنِي حَسِيْسَةً يَضْرَعُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيصَةً يَجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. وَ لَا تَرْغِنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَ لَا حَيْفَةً أَوْجَسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَ حِذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ، وَ رَهْمَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ. وَ اعْمُرْ لِيْلِي بِإِقْطَاعِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَ انْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَائِكَ رَقِيَّتِي مِنْ نَارِكَ، وَ إِجْرَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيًا، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اغْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمَكُّرًا بِي فِيمَنْ تَمَكَّرَ بِهِ، وَ لَا تَسْتَبْدِلُ بِي غَيْرِي، وَ لَا تُغَيِّرُ لِي اسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلُ لِي جِسْمًا، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِحَلْفِكَ، وَ لَا سَخِرِيًا لَكَ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ. وَ أَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحَكَ وَ رِيحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نِعْمَتِكَ، وَ أَدْفِنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِي مَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الْاجْتِهَادِ فِيْمَا يَزِلُّ لَمَدِيكَ وَ عِنْدَكَ، وَ أَنْحِفْنِي بِتُخْفِهِ مِنْ تُخْفَاتِكَ. وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَ شَوْفِي لِقَاءَكَ، وَ ثَبِّ عَلَى تَوْبَةٍ نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرُ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً. وَ انْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلِّئِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ، وَ وَافِ بِي عَرِضَةَ الْأَوَّلِينَ. وَ تَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ، عَلِي، وَ ظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدِي، امْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَ سَقِّ كَرَامَتِمْ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَ جَاوِزْ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَضْيَافِيَاكَ، وَ جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَيَّدَةِ لِأَجْبَائِكَ. وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَنَابِيَهُ أَبْوؤُهَا، وَ أَقْرَ عَيْنًا، وَ لَا تَقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ أزلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَ اجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ. وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اسْتِعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ دُهُولِ الْقُفُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغَنَى وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعْوَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ. وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ ذُنْبِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَيَّ مَخَوِّ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا، وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَ أَنْتُمْ لِي إِعْنَامُكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعَمِينَ وَ اجْعَلْ بَاقِي عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ائْتِغَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.".

### دعاء الحسين (ع) يوم عرفه

روى ان بشر و بشير ولدا غالب الاسدى انهما قالوا لما كان عصر عرفه في عرفات و كنا عند ابى عبدالله الحسين عليه السلام، فخرج

عليه اسلام من خيمته مع جماعه من اهل بيته و اولاده و شيعة بحال التذلل و الخشوع و الاستكانه ، فوقف في الجانب الايسر من الجبل و توجه الى الكعبه و رفع يديه قبال وجهه كمسكين يطلب طعاما و قرا هذا الدعاء:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصَيْعِهِ صَيْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَاعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَاوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّرًا بِأَنَّكَ رَبِّي، إِلَيْكَ مَرَدِي، إِثْتِدَاءً تُنِي بِنِعْمَتِكَ قَبِيلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسِيَّكَتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَبِّ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلبِ إِلَى رَحِمِ، فِي تَفَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَلُطْفِكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبِيلِ رُوْفَتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمَتِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِي يَمْنِي، وَأَسِيَّكَتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثَ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلِ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِيًا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا- صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمٌ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتَ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي آيِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَيْثُ إِذَا اكْتَمَلْتَ فَطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتَ مَرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنَّ الْهُمْتَنِي مَعْرِفَتِكَ، وَرَوَعْتَنِي بِعَجَابِ حِكْمَتِكَ، وَأَيَقُظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهْتَنِي لِشُكْرِكَ، وَذَكَرْتَكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَدَرَتْ عَنِّي كُلُّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يَزِلُّنِي لِمَدِيكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبْدِئِ مُعِيدِ، حَمِيدِ مُجِيدِ، تَفَدَّسْتَ أَسْمَاءُكَ، وَعَظَّمْتَ الْأَوْكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عِدْدًا وَذَكَرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يَحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَدَرَتْ وَدَرَأَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيْقَةِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي، وَخَالِصِ صِرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْتُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي، وَأَسَارِيرِ صِفْحَةِ جَبِينِي، وَخُزُقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخِذَارِيفِ مَارِنِ عَزِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي، وَمَا ضَمَمْتَ وَأَطَبَقْتَ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا شَتَمَلَّ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي، وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَابِطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي، وَمَا حَوَّثَهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَسْرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخَى وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَمَا اتَّسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مَنِي، وَنَوْمِي وَيَقُظْتِي وَسَيْكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودَى شُكْرًا وَاحِدَةً مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى أَنْعَمِكَ، سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَرَ زَنَاهُ عِدْدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمِيدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالتَّيَّ الصَّادِقِ، وَأَنْ تَعِيدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاءُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَاءُكَ وَرُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مُوروثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ

فِيضَادُهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيَّ مِنَ الدَّلِّ فَيَزِيدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا، وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم."

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود پس فرمود:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْسَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْرِعْ عِدْنِي بِتَقْوَايِكَ، وَلَا تُشَقِّقْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَأْرِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِبَدْلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُؤْ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَكُفِّ رِهَانِي، وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَجْرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّمْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَيِّئْ لِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمَنْ كُلِّ خَيْرٍ أُعْطِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْطَيْتَنِي وَسَيِّئَاتِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا الْبَسَيْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصِّدَاقِي، وَيَسِّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاقْنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاقْنِي، وَمَا أَخْذَرْتُ فَقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْزُنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاحْلُقْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَدَلِّئْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِدُّوْبِي فَلَا تَفْضُخْنِي وَبَسِيرِي تِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعْمَتِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكْلُنِي، إِلَهِي إِلَيَّ مِثْرًا تَكْلُنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهَمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُزْبَتِي وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتُهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلْكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنَزِّلْ بِي سَيْخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الدُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عَدْتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحِدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَالْهَى آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَّجِبِينَ، مُنْزِلِ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ، وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَمُنْزِلِ كَهْيَعَصَ، وَطِهَ وَيَسَ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينُنِي الْمَيْدَاهِبَ فِي سَعْيَتِي، وَتَضَيِّقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنُّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ يَغْتَرُّونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَيْدَلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَعَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ يَلْمُهُ، إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَيَّدَ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطُعُ أَيْدَاءُ، يَا مُقِيضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَةِ مَلَكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُوبَ، وَمُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ، وَفَنَاءِ عُمَرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَانْجَاهَهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْفِهِ، يَا مَنْ اسْتَفْتَدَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدَوْنَا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقُهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُوهُ وَنَادُوهُ

وَكَذَبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا يَدِي يَا بَدِيْع، لَا نِدْلَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُجِبِي الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ حَظِيَّتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَبْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَيَّدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَزِدَّنِي، وَمُقَلًّا فَاعْزَمَنِي، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِّ فَاتَّبِدَانِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَأَنْ أَعِدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَيَّدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْلَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي اعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتْ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي آسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّضْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَضْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْعَظِيمُ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ بِحُجَّتِ لِي إِذَا بَرَأَهُ لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَانْتَصِرْ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلْتُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بِيصْرِي، أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يَعِيرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يَعَاقِبُونِي، وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَوْ فَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهِيَ أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ، حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتِزِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةً فَاحْتِجْ، بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحِدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَأَنِّي ذَلِيكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَطَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعِدَّنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَافِيْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِيْنَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَهْلُكِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّيِّئِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسِيَّبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبَرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا تَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجَّدًا، وَإِحْلَاصِي بِذِكْرِكَ مُوَحَّدًا، وَإِفْرَاقِي بِالْإِنْتِكَاعِ مَعْدَدًا، وَأَنْ كُنْتُ مُقْرَأًا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا، وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُّمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ، مِنَ الْإِعْنََاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَتَسْيِيبِ الْيَسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبِدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكِ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي آلَاؤَكَ، وَلَا يَبْلُغُ تَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَأَشِيعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْتَسِفُ الشُّوَاءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ

قَدِيرٍ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِضْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَضِيرُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَعْمَدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ حَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دُعَايَ، وَأَسْرِعُ مِنْ أَجَابِ، وَأَكْرَمُ مِنْ عَفَايَ، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَيَامُولٌ، دَعْوَتُكَ فَاجَبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتَ إِلَيْكَ فَزَحَمْتَنِي، وَوَثِقْتَ بِكَ فَجَبَّيْتَنِي، وَفَزَعْتَ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَنْئَنَا عَطَاءَكَ، وَاكْتِنَا لِمَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِإِيَّتِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرَكَ، وَقَدَّرَ فَهْرَكَ، وَعَصَى فِسْطَكَ، وَاشْتَبَهَ فَعْفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسَّعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفَتْهَا وَعَظَّمَتْهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِإِمْلَاكِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصِلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، الْمُتَشَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَمَّا، فَالِيكَ عَجَبَتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ نَصيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسِطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبِلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعْتَمِدْنَا عَلَى مَنَاسِكَ، وَأَكْمَلْنَا حَاجَتَنَا، وَأَعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَصَدِّقْ مِدَدَنَا إِلَيْكَ أَيَّدِنَا فِيهِ بِدَلِيلِهِ الْأَعْتِرَافِ مَوْسُومِيَّةً، اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذًا فِيْنَا حُكْمَكَ، مُحِيطًا بِنَا عِلْمَكَ، عِيدَلًا فِيْنَا قَضَاؤَكَ، أَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ، وَدَوَامِ الْبَيْسِ رِ، وَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَضِيرْ عَنَّا رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَنَفْنَا وَسَيِّدْنَا وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ، وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ، وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ "

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیدهای مبارکش آب میریخت مانند دو مشک و بصدای بلند میگفت:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ."

پس مکرر می گفت یا رب. و کسانی که دور آنحضرت بودند بتمام گوش داده بودند بدعاء آنحضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد بگریستن با آنحضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و بجانب مشعر الحرام روانه شدند. محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف میفرماید کفعمی دعاء عرفه امام حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی



در زاد المعاد این دعا را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاوس در اقبال بعد از ذکر یا رب یا رب این زیاد یرا ذکر فرموده:

"إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ جَهُولًا- فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ، وَسِرِّدَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءِ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءِ، إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَيْفَتْ نَفْسِكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وَجُودِ ضَمْنِي، افْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعِيدَ وَجُودِ ضَمْنِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ مِنِّي فَيَفْضَلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَقَدْ تَكَلَّمْتَ لِي، وَكَيْفَ أَضَامَ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيْبُ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ آمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا اللَّطْفُكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَيْحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَخْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ، وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا- أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا آيَسْتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مُسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا- تَكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ، وَمَشِيَّتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِتَدِي مَقَالَ مَقَالًا، وَلَا لِتَدِي حَالَ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَهُ شَيْدَتْهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالُنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فِ لَا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْفَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا- أَعَزِّمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوَجِبُ بُعِيدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِيَّتِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وَجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إِلَهِي آمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأَشْيَتِيصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتَ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهَمِّهِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بُنُورَكَ إِلَيْكَ، وَأَقْنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمْتَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْرُونَ، وَصَدَّقْتَنِي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْتَنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَأَسْأَلُكَ بِمَسَلَمَتِكَ أَهْلَ الْحَيْدِ، إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْفِقْنِي عَلَى مَرَكَزِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرَجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشَرَكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكَلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا- تُخَيِّنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا- تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أُنْتَسِبُ فَلَا- تُبْعِدْنِي، وَبِإِيَّاكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِهَدَايَتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِيْنِي، وَإِنَّ أَهْوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسِيرْنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي، حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يَجُثُوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجِدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوَّلًا، كَيْفَ يَرْجِي سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا يَدَلَّتْ عَادَةُ الْإِنْسَانِ، يَا مَنْ أَدَاكَ أَحْيَاءُهُ خِلَاوَةَ الْمُؤَانِسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْزِبْنِي بِمَنْنِكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ

خَوْفِي لَا- يَزِيلُنِي وَأَنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانَ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا- أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسْتَجِيئُ، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلْتُكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَوَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غِيًّا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ، وَمَحَوَّتْ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ."

## استفتائات جدید در مناسک حج (۱)

س: ۱- کسیکه سال خمسی ندارد و احیاناً با پول غیر مخمس برای حج ثبت نام کرده و احیاناً لباسهای احرام او هم با پول غیرمخمس تهیه شده، آیا چنین حج صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی

ج - در صورتیکه با حاکم شرع مراجعه نکرده باشد تا خمس را در ذمه او قرار دهد حجش باطل است.

س: ۲- اگر کسی مقداری از مخارج را قرض کند ولی وضع کار و معیشتش جوری باشد که سهولت بعد از مراجعت از سفر مکه می‌تواند آنرا ادا کند آیا با چنین حجبی حجه الاسلام از او ساقط می‌شود یا نه؟

ج - حجه الاسلام ساقط میشود، ولی قرض کردن واجب نیست.

س: ۳- آیا کسی مستطیع است می‌تواند از کسی دیگر نیابت کند؟ و اگر در صورت عدم توجه به مسئله نایب شده و در حین عمل و بعد از انجام عمره تمتع یا بعد از مراسم حج متوجه شد وظیفه او چیست؟

ج - بسمه تعالی حج نیابتی صحیح است ولی اگر اجیر مستحق اجرة المسمى نیست بلکه مستحق اجرة المثل می‌باشد.

س: ۴- آیا کسی وظیفه او وقوف اضطراری است مثل زنان و پیر مردان می‌توانند نایب بشوند یا خیر؟

ج - نمی‌توانند نایب شوند.

س: ۵- کسیکه استطاعت مالی برای انجام حج دارد ولی پسرش هم نیاز به ازدواج و خانه دارد کدام یکی مقدم است؟ اگر فرآپول برای پسرش صرف کرد، آیا حج بر او مستقر میشود یا نه؟

ج - برای مستطیع جائز نیست تفویض استطاعت اگر چه سبب تفویض ازدواج پسر باشد، اگر چنین کند عصیان نموده و حج در ذمه اش مستقر می‌شود

س: ۶- اگر خود شخص هم مستطیع است و هم نیاز به ازدواج دارد، آیا حج مقدم است یا ازدواج؟

ج - حج مقدم است.

۷- اگر کسی خانه ندارد و در عالم مهاجرت نمی‌تواند خانه بخرد آیا بر چنین کسی حج واجب میشود یا نه؟ با اینکه با رهن واجاره منزل زندگی می‌کند.

ج - در مفروض سؤال حج واجب است.

س: ۸- اگر کسی به اندازه پول حج به شخصی بذل کند که به مکه برود با اینکه شرائط استطاعت را ندارد، و غیبت او در ایام حج موجب اخلال در معاش و زندگی او هم نمی‌شود آیا چنین حج مجزی از حجه الاسلام هست یا نه؟

ج - بلی از حجه الاسلام کفایت می‌کند.

س: ۹- اگر کسی استطاعت بدنی ندارد و امید به استطاعت بدنی هم تا آخر عمر ندارد آیا لازم است خودش در زمان حیات خودنائب بگیرد؟ در صورت لزوم آیا استنابه از میقات کفایت می‌کند یا نه؟ و در فرض مذکور اگر بعد از انجام حج توسط نائب استطاعت بدنی حاصل شد وظیفه چیست؟

بسمه تعالی

ج: ۱) واجب است در زمان حیاتش نائب بگیرد.

ج: ۲) استنابه از میقات کفایت می‌کند.

ج: ۳) در صورتیکه استطاعت بدنی و مالی حاصل شود بنا بر احتیاط واجب، مباشرة حج را انجام دهد.

س: ۱۰- کسیکه قرائت نمازش صحیح نیست برای نماز طواف چه کار کند؟

ج- مقتضای احتیاط این است که خودش هم بخواند و نائب هم بگیرد.

س: ۱۱- کسیکه قرائتش درست نیست می‌تواند نائب بشود یا نه؟

ج- نمی‌تواند نائب شود.

س: ۱۲- آیا کسیکه معذور است در ارتکاب بعضی محرمات احرام مثل تظلیل و پوشاندن سر میتواند نائب بشود یا نه؟ و کفاره

به عهده کیست؟

ج- نائب شده می‌تواند ولی کفاره به عهده نائب است.

س: ۱۳- آیا کسیکه از انجام دادن بعضی اعمال حج معذور است مثل قرائت و رمی جمره... و در اثر ندانستن مسئله نائب

شده میتواند کسی دیگر را برای انجام آن اعمال نائب بگیرد یا نه؟

ج- در صورتیکه متوجه نبوده و نائب شده در آنجا هم خودش از منوب عنه آن اعمال را انجام دهد و هم نائب بگیرد.

س: ۱۴- آیا عدم جواز تظلیل برای محرم مرد اختصاص به روز دارد، یا در شب هم تظلیل صدق می‌کند؟ به عبارت روشن تروقتی از

جده به میقات و از میقات بعد از احرام به طرف مکه حرکت میکنیم با ماشین غیر مسقف حرکت کنیم، و یا اینکه باماشین مسقف

هم حرکت کردیم مانعی ندارد

ج- باید ما ماشین غیر مسقف حرکت کند.

س: ۱۵- نظر حضرت عالی راجع به نگهداری محرم خودش را از سرما و باران در روز و شب چیست؟

ج- معنی حرمت تظلیل نگهداری از سرما و گرما می‌باشد و اگر ترک تحفظ مشقت داشته و سرما یا گرما شدید باشد، تظلیل با

دادن کفاره جائز است.

س: ۱۶- حکم تظلیل در شهر مکه یعنی آمدن از هتل به طرف حرم برای انجام اعمال عمره تمتع چیست؟

ج- بعد از رسیدن مکه تظلیل جائز است.

س: ۱۷- نظر شما راجع به اتیان عمره مفردة در ماه ذی الحجة بعد از انجام حج چیست؟ آیا فاصله دو عمره لازم است یا نه؟ و

در صورت لزوم چه مقدار فاصله باید باشد؟

ج- احوط این است که فصل بین دو عمره یکماه باشد، و اقوی کفایه فصل به ده روز می‌باشد و اگر دو عمره ز طرف دوشخص

فاصله به کمتر از ده روز نیز جائز است.

س: ۱۸- بعضی از افراد ساکن در عربستان برای ورود به مکه مشکل دارند و اگر از میقات محرم شوند برای عمره تمتع چه

بسامموراین حکومت سعودی آنها را دستگیر می‌کند فلذا اینها بدون احرام به صورت مخفی وارد مکه می‌شوند، و وظیفه اینها برای

انجام دادن اعمال چگونه است؟

ج - آنها باید بعد از گذشتن از میقات در هر جا که تمکن پیدا کنند در خارج حرم به رفتن در میقات دیگر بروند آنجا احرام ببندند و اگر ممکن نشد به حدیبیه و یا جعرانه و یا تنعیم رفته ببندند.

س: ۱۹ - اشخاص که محرم میشوند برای عمره تمتع و بعد از آن دستگیر میشوند و حکومت مانع از ورودشان به مکه میشود چگونه از احرام خارج شوند؟

ج - آنها گوسفند را در محل صد و منع قربانی نموده با ضمیمه تقصیر و یا حلق از احرام خارج می‌شوند.

س: ۲۰ - اگر کسی نماز طواف عمره تمتع را اشتبهاً در حجر اسماعیل بخواند به خیال اینکه مقام ابراهیم است، و بعد از محرم شدن برلی حج و یا بعد از اعمال متوج شود وظیفه او چیست؟

ج - بنا بر احتیاط نماز طواف را رجاء در مقام ابراهیم اعاده کند.

س: ۲۱ - اگر کسی در تلبیه به جای لَبَّيْكَ اَلْهُم... بگوید: لَبَّيْكَ (بکسر ب) صحیح است یا نه؟

ج - صحیح نیست.

س: ۲۲ - اگر هوا سرد باشد و محرم خوف ابتلاء به مرض داشته باشد میتواند از لباس مخیط مثل پتو استفاده کند یا نه؟ و در صورت جواز كفاره هم دارد یا نه؟

ج - استفاده از پتو مانعی ندارد چون مخیط نیست.

س: ۲۳ - آیا در مسجد شجره و جحفه لازم است داخل مسجد محرم شود یا از بیرون مسجد هم کفایت می‌کند؟ و آیا بین این دو مسجد در این حکم فرق است یا نه؟

ج - احرام اگر از خارج مسجد ببندد نیز صحیح است فرق بین هر دو مسجد نیست.

س: ۲۴ - واجبات تلبیه چند جمله است؟

ج - واجب است بعد از نیت بگوید: لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ

س: ۲۵ - اگر زن حائض است و می‌داند تا روز هشتم هم پاک نمیشود چگونه محرم شود و وظیفه او چیست؟ و یا در میقات حایض نیست و میدانند قبل انجام اعمال عمره حایض می‌شود، و تا آخر پاک نمی‌شود.

ج - حج تمتع آن زن تبدیل به حج افراد می‌شود و تفضیل را در مسأله‌ای ۸۷ مناسک حقیر مراجعه کنید.

س: ۲۶ - اگر در فرض مذکور کشف خلاف شد به این صورت که قبل از یوم الترویبه پاک شد به طوریکه میتواند اعمال عمره تمتع را انجام بدهد، یا اصلاً عادت نشد چه کار کند؟

ج - باید غسل کند و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و تا ظهر روز نهم ذیحجه خود را به عرفات برساند.

س: ۲۷ - لطفاً کیفیت و الفاظ معتبره در نیت احرام عمره تمتع را بیان فرماید؟

ج - بعد از پوشیدن لباس احرام در میقات بگوید: احرام می‌بندم از جهت عمره تمتع از فرض حجه الاسلام قربه الی الله: لبیک...

س: ۲۸ - مقدار واجب تلبیه چه مقدار است؟ و جای قطع آن کجاست؟

ج - در جواب سؤال ۲۴ گذشت.

س: ۲۹ - اگر لباس یا بدن محرم نجس شود تطهیر آن فوراً لازم است یا نه؟ و اگر دسترسی به آب ندارد چکار کند؟

ج - باید فوراً تطهیر کند و در مکه معظمه آب فراوان است با امکان آب طواف بآبیدن یا لباس نجس باطل است.

س: ۳۰ - لباس احرام بانوان باید چگونه باشد؟ آیا اگر حریر خالص هم باشد جایز است یا نه؟ و آیا طهارت لباس آنها هم لازم است یا نه؟

ج - لباس زن از حریر باشد مانعی ندارد و لی طهارت بدن و لباس برای زن شرط صحت طواف است مثل مرد.

س: ۳۱- اگر در حین احرام بعضی از لباسهای دوخته را عمدتاً نسیاناً در نیاورد و لباس احرام را روی آن بپوشد احرامش صحیح است یا نه؟ و در صورت نسیان بعد از التفات چه کار کند؟

ج- اگر عمدتاً لباس مخیط کرده باشد احرام صحیح است ولی یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر نسیاناً کرده باشد بعد از التفات فوراً در آورد.

س: ۳۲- اگر کسی جهلاً یا نسیاناً یکی از محرّمات احرام را مرتکب شد مثل نگاه کردن در آئینه، یا پوشیدن سر، و یا ازاله مو از بدن، یا خون کردن دندان، دادن کفاره لازم است یا نه؟

ج- در غیر صید (شکار) کفاره لازم نیست اما در صید (شکار) اگر جهلاً و نسیاناً باشد نیز کفاره دارد.

س: ۳۳- آیا گرفتن بینی از بوی بد یا دود و بخار ماشین از محرّمات احرام است یا نه؟ اگر از محرّمات است کفاره هم دارد یا نه؟

ج- از محرّمات احرام است ولی کفاره ندارد، بعد از آن استغفار کند.

س: ۳۴- اگر محرمی در حال طواف بدنش به بدن جنس مخالف چسبید و احیاناً تحریک هم شد و خود را هم نمیتواند از آن حالت نجات دهد در اثر کثرت جمعیت آیا بر چنین شخصی کفاره لازم است یا نه؟ و اگر در فرض مذکور منی از او خارج شود چه کار کند؟

ج- اگر تماس از جهت کثرت جمعیت و بدون قصد بوده یعنی از جهت اضطرار و قهراً چسبیده باشد و نتواند از تماس جلوگیری کند، حکمش حکم زنی است که در اثناء طواف، حیض شود و حکم آن در مسأله ۸۸ مناسک ذکر شده است و اگر قدرت داشته که جلوگیری کند و نکرده باشد، کفاره اش یک شتر است.

س: ۳۵- اگر به اجنبیه یازن خودش از روی شهوت نگاه کند کفاره دارد یا نه؟

ج- نظر کردن از روی شهوت حرام است اگر منی خارج شود کفاره اش شتر است و اگر منی خارج نشود استغفار کافی است.

س: ۳۶- آیا خوردن و بوئیدن میوه‌های خوشبو مثل سیب و به اشکال دارد یا نه؟

ج- خوردن آنها اشکال ندارد ولی از بوئیدن آنها اجتناب کنید.

س: ۳۷- آیا بوئیدن خلوق کعبه جایز است یا نه؟ و کفاره استعمال بوی خوش چیست؟ و آیا در کفاره فرقی بین صورت جهل و نسیان و عمد هست یا نه؟

ج- بوئیدن خلوق که یک نوع عطر است مانعی ندارد، و کفاره استعمال بوی خوش بنابر احتیاط یک گوسفند است و در غیر صید در صورت جهل و نسیان کفاره نیست و در صید مطلقاً کفاره است.

س: ۳۸- آیا گره زدن لباس احرام یا دوختن تکمه یا پرس کردن تکمه قابلمه در آن و یا با سوزن و سنجاق به هم وصل کردن دوطرف آن جایز است یا نه؟

ج- احوط این است که در لنگ از امور مذکوره اجتناب کند و رداء را اگر با سوزن و سنجاق به هم وصل کند مانعی ندارد.

س: ۳۹- آیا حمل ساک دستی مخیط برای محرم جایز است یا نه؟

ج- مانعی ندارد.

س: ۴۰- حکم پوشیدن صورت برای زن که محرم است را بیان فرمایید، و همینطور حکم پوشیدن دستکش دوخته را، و پوشاندن قسمتی از صورت را، در حال نماز و غیر نماز و برای حفظ از نظر نامحرم؟

ج- پوشاندن صورت برای زن محرمه جائز نیست به مثل پوشیه و نقاب، و در حال نماز کمی از بالای صورت از جهت سترمو از باب مقدمه علمیه اشکال ندارد و بعد از نماز بردارد و از جهت حفظ از نامحرم گوشه چادر را آویزان کند و با دست مانع شود از

اصابت آن به صورت.

س: ۴۱ - حکم عینک زدن و انگشتر به دست کردن برای محرم چیست؟

ج - برای زینت حرام است و اگر چشم ضعیف باشد، جهت قرئت قرآن و دعا، اشکار ندارد و اگر غرض از انگشتر استجاب باشد جائز است.

س: ۴۲ - آیا فسوق که بر محرم حرام اختصاص به دروغ گفتن دارد، و یا فحش دادن و عیبی را از خود دور کردن و به دیگری نسبت دادن، و فخر کردن به دیگران مثلاً بگوید: من وابسته به فلان شخصیت علمی یا سیاسی... هستم را هم شامل می‌شود.  
ج - فسوق دروغ گفتن و دشنام دادن می‌باشد، و تفاخر اگر موجب توهین و تحقیر دیگران باشد حرام است و الا- جائز است اگر تفاخر به کذب نباشد.

س: ۴۳ - لطفاً کفاره فسوق را هم بیان فرمایید؟

ج - کفاره اش توبه و استغفار می‌باشد.

س: ۴۴ - آیا بر محرم زن لازم است که زیور و زینتهایی که همیشه داشته برای احرام از بدنش در بیاورد یا نه؟

ج - بیرون آوردن واجب نیست و لی باید به هیچ مرد حتی شوهرش نشان ندهد.

س: ۴۵ - آیا مالیدن پماد و ویکس به بدن در حال احرام برای جلوگیری یا در مان عرق سوزی جائز است یا نه؟

و در صورت عدم جواز کفاره آن چیست؟

ج - جائز است.

س: ۴۶ - اگر کسی نسیاناً یا جهلاً سر یا قسمتی از آن را بپوشاند مثل صورت عمد کفاره دارد یا نه؟

و آیا گوش‌ها هم از سر محسوب می‌شود یا نه؟ - گوش‌ها از سر محسوب می‌شود ولی پوشانیدن سر یا قسمتی از آن جهلاً یا سهواً اشکال ندارد.

س: ۴۷ - محل کشتن کفارات کجا است؟ و آیا میشود آن را در مجلس که حاجی بعد از باز گشتن مکه برقرار میکند مصرف کرد یا نه؟

ج - محل ذبح مکه مکرمه است و آن اختصاص به ارتکاب صید در احرام عمره و اگر در احرام حج مرتکب صید شود محل ذبح کفاره اش منی می‌باشد و احوط و اولی این است که کفارات احرام عمره را در مکه و کفارات احرام حج را در منی ذبح کنند اگر موجب آن غیر صید باشد.

س: ۴۸ - اگر زن در حال طواف حایض بشود وظیفه اش چیست؟

ج - در مسئله ۸۸ مناسک حقیر مراجعه کنید.

س: ۴۹ - اگر زن بعد از طواف و قبل از نماز آن حایض شود چکار کند؟

ج - در مسئله ۸۹ مراجعه کنید.

## استفتائات جدید در مناسک حج (۲)

س: ۵۰ - خوردن قرص برای جلوگیری از حیض چه حکمی دارد؟

و از قرص استفاده کردن و اتفاقاً در همان ایام که محرم شد و برای انجام اعمال عمره وارد مکه شد لک ببیند، آیا در این حال میتواند طواف کند یا نه؟

ج - قرص خوردن مانعی ندارد، و اگر لکه ببیند و قطع شود اعمال استحاضه را انجام طوافش صحیح است چون خون کمتر از سه

روز حیض نیست.

س: ۵۱- اگر در حال طواف بدن یا لباس محرم خونی شود وظیفه او چیست؟ و اگر بعد از طواف متوجه شود که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده طوافش صحیح است یا نه؟

ج - خون را تطهیر کند، و اگر بعد از طواف ببیند طوافش صحیح است.

س: ۵۲- اگر نجاست لباس و بدن را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید طوافش صحیح است یا نه؟

ج - صحت طواف بعید نیست ولی احوط اعاده طواف است ولی نماز طواف را حتماً اعاده کند.

س: ۵۳- آیا طواف از پشت مقام ابراهیم صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است و اگر ازدحام زیاد باشد و خوف داشته باشد که بدون اختیار به فشار مردم حرکت کند، باید از پشت مقام ابراهیم طواف کند.

س: ۵۴- اگر در حال طواف چند قدمی انسان را هول دادند بطوریکه هیچ اختیاری از خود نداشت وظیفه چیست؟

ج - باید برگردد و همان مقدار را اعاده کند و اگر برگشتن مشکل باشد جهت ازدحام از بیرون مقام ابراهیم برگردد آن مقدار را اعاده کند.

س: ۵۵- نوعاً در اثر کثرت جمعیت و ازدحام در حال طواف حرکت اختیاری کامل نیست، فقط پاهارا انسان بلند میکند،

ولی حرکت بدن دسته جمعی است مثلاً چند هزار نفر به هم چسپیده باهم حرکت می‌کنند آیا این طواف صحیح است یا نه؟

ج - صحت آن بعید نیست ولی احوط این است که از پشت مقام ابراهیم طواف کند.

س: ۵۶- اگر هفت شوط طواف انجام داد بعد بگوید این طواف به دلم نچسبید، یک شوط یا طواف دیگر انجام میدهد احتیاطاً بعد

نماز آن را می‌خواند آیا این طواف صحیح است یا نه؟

ج - به اعاده یک شوط احتیاط نمی‌شود، و اگر احتیاطاً یک طواف کند مانعی ندارد.

س: ۵۷- اگر شک کرد که شش شوط طواف کرده یا هفت شوط، گفت حالا- من یک شوط دیگر احتیاطاً اضافه می‌کنم،

آیا صحیح است یا نه؟

ج - صحیح نیست زیرا طواف فرضیه شک بردار نیست فقط در یک صورت شک موجب بطلان نیست مثل اینکه به حجر اسود

برسد و شک کند که این شوط هفتم بود یا هشتم بنا را بر هفت بگذارد صحیح است و در غیر این صورت اگر شک کند طواف را

به هم بزند و اعاده کند.

س: ۵۸- آیا نشستن برای رفع خستگی و تجدید قوی جائز است یا نه؟

ج - نشستن مختصر مانع ندارد.

س: ۵۹- قطع طواف و سعی بواسطه اقامه جماعت چه صورت دارد؟

ج - قهراً قطع میشود بعد از تمام نماز اعاده کند.

س: ۶۰- آیا لازم است که نماز طواف پشت مقام ابراهیم خوانده شود یا نه؟

ج - در صورت تمکن باید آنجا بخواند و در صورت ازدحام الاقرب فالاقرب را در پشت مقام ابراهیم مراعات کند.

س: ۶۱- اقتدا کردن به جماعت مکه و مدینه لازم است یا نه؟ اگر لازم است به چه صورت؟ آیا حمد و سوره خود انسان بخواند یا

نه؟

ج - حمد و سوره را خود انسان بخواند و صورت متابعت امام جماعت را بنماید.

س: ۶۲- در صوت امکان سجده کردن بر سنگ فرشهای مسجد النبی (ص) آیا سجده بر فرش جایز است یا نه؟

ج - جایز نیست.

س: ۶۳- اگر نماز طواف را فراموش کند در اثناء سعی یا بعد از آن متوجه شود وظیفه آن چیست؟

ج - به مسأله ۱۴۳ مناسک مراجعه کنید.

س: ۶۴- اگر کسی قرائت نمازش صحیح نیست آیا همان نماز خودش کفایت می‌کند یا نایب هم بگیرد؟

ج - هم خودش بخواند و هم نایب بگیرد.

س: ۶۵- آیا کسی که نمازش درست نیست میتواند آنرا با جماعت بخواند یا نه؟

ج - اگر امام جماعت اثنا عشری باشد احوط خواندن به جماعت است.

س: ۶۶- گاهی اوقات در اثر کثرت جمعیت زن و مرد محاذی هم، یا زن جلو مرد نماز طواف می‌خوانند، و همین طور در

نمازهای یومیه، آیا این نماز صحیح است یا نه؟

ج - در صورتیکه بین زن و مرد یک وجب فاصله باشد اشکال ندارد ولی اگر ده ذراع فاصله نباشد کراهت دارد و نمازش صحیح

است.

س: ۶۷- در نماز جماعت مسجد الحرام که بصورت دایره وار نماز می‌خوانند و چه بسا انسان در مقابل امام جماعت قرار می‌گیرد،

آیا این نماز جماعت صحیح است؟

ج - اگر امام جماعت اثنا عشری نباشد، صورتاً اقتدا کند و نماز خود را بخواند و اگر اثنا عشری باشد نیز اقتدا محل اشکال است و

احوط عدم اقتدا است.

س: ۶۸- آیا جایز است بین طواف و سعی فاصله انداختن یا نه؟

ج - افضل عدم تأخیر سعی است از طواف و نماز آن ولی از جهت خستگی یا گرمی هوا تأخیر تا شب جائز است ولی تا فردا جائز

نیست.

س: ۶۹- آیا سعی در طبقه فوقانی جائز است یا نه؟

ج - بر خلاف احتیاط است حتی الامکان سعی در زمین باشد.

س: ۷۰- شخصی قادر بر سعی یا طواف نبوده او را سوار چرخ کرده‌اند در حال سعی یا طواف خواب رفته و نمی‌داند چه

مقدار خواب بوده آیا سعی و طواف او صحیح است یا نه؟

ج - احوط این است که سعی را از سر بگیرد و توجه داشته باشد که خواب نرود.

س: ۷۱- و اگر از روی جهل و ندانستن مسأله تقصیر را ترک کند وظیفه‌اش چیست؟

ج - ظاهراً جاهل ملحق به ناسی می‌باشد در صورتیکه قاصر باشد و اگر مقصر باشد، الحاقش به عامد اظهر است و حکم آن در مسأله

۱۷۹ مناسک مذکور است.

س: ۷۲- آیا در عمره تمتع طواف نساء واجب است یا نه؟

ج - واجب نیست.

س: ۷۳- برای احرام حج لازم است که از محله قدیم مکه محرم شویم یا از محله‌های جدید مثل عزیزیه و شیشه هم کفایت میکند؟

ج - از محله قدیم باید احرام بست.

س: ۷۴- اگر در رمی جمره شک کند که سنگ به جمره اصابت کرد یا نه وظیفه چیست؟ و همینطور اگر شک کند در عدد سنگها

وظیفه چیست؟



ج - به مسأله ۲۱۷ مناسک رجوع کنید باید یقین کند ۷ سنگ رسیده است.

س: ۷۵ - آیا رمی از طبقه فوقانی جایز است یا نه؟

ج - احتیاط واجب در ترک آن است.

س: ۷۶ - آیا رمی جمره از چهار طرف کفایت میکند یا از طرف که سنگ چین است باید رمی بشود؟

ج - احوط آن است که طرف سنگ چیده را رمی کند

س: ۷۷ - آیا به خاطر ازدحام جمعیت یا گرانی گوسفند می‌توانیم قربانی را از روز عید تأخیر بیندازیم یا نه؟

ج - در صورتیکه روز عید غیر ممکن یا حرجی باشد، فردایش انجام دهد

س: ۷۸ - آیا در نیابت در ذبح لازم است که نائب شیعیه باشد یا نیابت سنی هم مانعی ندارد؟

ج: اگر سنی ناصبی نباشد و استقبال و تسمیه را مراعات کند ذبحش صحیح است

س: ۷۹ - هل يجوز الذبح بغير الحديد أم لا؟

ج - لا يجوز ذلك.

س: ۸۰ - آیا نائب می‌تواند شخص دیگر را برای قربانی وکیل کند یا نه؟ در هر صورت آیا بودن نام منوب عنه، هنگام نیت

قربانی لازم است یا نه؟

ج - اگر مستأجر مباشرت را شرط کرده باشد نائب گرفته نمیتواند احوط ذکر اسم منوب عنه می‌باشد.

س: ۸۱ - اگر در وادی محسّر قربانی کرد بعد همانجا تقصیر هم کرد مجزی است یا باید حلق و تقصیر در منی باشد؟ و در صورت

جهل به مسأله و تقصیر در وادی محسّر وظیفه چیست؟

ج - می‌تواند بعد از آن در منی تقصیر کند و بر او چیزی نیست.

س: ۸۲ - مخیر بودن مسافر بین قصر و تمام اختصاص به مسجدالحرام قدیم و مسجدالنبی قدیم دارد یا حکم دیگر در مسأله است؟

ج - اختصاص به قدیم دارد.

س: ۸۳ - آیا برداشتن سنگ ریزه از قبرستان بقیع به عنوان تیمن و تبرک جایز است یا نه؟

ج - برداشتن از قبور ائمه اربعه ممکن نیست از جای دیگر تبرک نیست.

س: ۸۴ - آیا در تشهد نماز بعد از صلوات کلمه عجل فرجه گفتن جایز است یا نه؟ در صورت عدم جواز میشود به کسی که

این کلمه را میگوید اقتدا کرد یا نه؟

ج - اگر واجد شرایط امامت باشد اقتدا جایز است و احوط این است که مصلی آنرا ترک کند.

س: ۸۵ - شخصی که عمره تمتع را انجام داده در مکه فوت می‌کند آیا برای انجام حج تمتع نایب لازم دارد یا که انجام عمره تمتع

از حجّه الاسلام کفایت می‌کند؟

ج - نایب گرفتن واجب نیست عمره تمتع از حجّه الاسلام در فرض سوال کفایت می‌کند.

س: ۸۶ - شخصی را که بعد از انجام عمره تمتع ماشین می‌زند در بیمارستان بستری می‌شود آیا این شخص برای اعمال تمتع نایب

لازم دارد یا خیر؟ اگر چنانچه نایب لازم داشته باشد کسی که خودش حج واجب انجام می‌دهد می‌تواند از این شخص نایب شود

یا خیر؟

ج: این شخص حکم محصور از حج را دارد اگر حج در ذمه اش مستقر شده (یعنی قبلاً مستطیع شده و اقدام به حج نکرده است) و

یا استطاعتش تا سال آینده باقی بماند در هر دو صورت بر او واجب است که در سال آینده حجش را انجام دهد در صورتی که در

این سال امکان نداشته باشد و الاً محرم شود بمقدار واجب درک و قوفین کند و سایر اعمال را خودش انجام دهد اگر نمی تواند نایب بگیرد.

س: ۸۷ - شخصی که از مدینه منوره احرام می بندد به امید که در مسجد شجره نیت نماید در مسجد شجره هم متوجه نمی شود می آید در مکه نیت می کند حج او صحیح است یا خیر؟

ج: در فرض سوال حجش صحیح نیست و اگر قبل از اعمال برگردد و از یکی از میقاتها محرم شود کافی است و همچنین است بعد از اعمال در صورت بقاء وقت.

س: ۸۸ - اگر شخصی با احرامی وارد مکه شود اعمال عمره تمتع را انجام بدهد و قبل از انجام حج تمتع می تواند عمره مفرده انجام دهد یا خیر؟

ج: نمی تواند.

س: ۸۹ - اگر شخصی اعمال عمره تمتع را انجام بدهد و قبل از انجام حج تمتع میتواند عرفات، منی، مشعر، غار حراء، غار ثور برود یا خیر؟

ج: در غیر ضرورت و حاجت خارج شدن از مکه جواز ندارد و تا آن مقدار که صدق مکه عرفا می کند تردد حرام نیست.

س: ۹۰ - شخصی بعد از طواف و سعی صفا و مروه از اعمال عمره تمتع تقصیر کرده بعد می آید به اطاق سرش را می تراشد آیا این کفاره دارد یا خیر؟

ج: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده است تا آخر ماه شوال تراشیدن سر جایز است و بعد از آن اگر عالماً و عامداً سرش را بترشد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

س: ۹۱ - اگر کسی از اعمال عمره تمتع فارغ شده می تواند با خانمش نزدیکی نماید یا خیر؟

ج: بعد از انجام دادن تقصیر نزدیکی با خانمش اشکال ندارد.

س: ۹۲ - زنی از دنیا رفته است و قبل از مرگش شخصی را وصی گرفته و به او گفته است که زمینهای من را بفروش و با پولش به نیابت از من به حج برو، برادر شوهر این زن که زمینهای مذکور بعد از فوت موصی در دست او بوده بدون اجازه وصی و موصی به حج می رود و ادعا می کند به نیابت از میت رفته، در این صورت آیا این حج نیابتی درست است؟

ج: اگر در زمان حیاتش حج در ذمه او استقرار پیدا کرده بوده آن وصیت نافذ است و نیاز به اجازه ورثه ندارد و اگر مستطیع نبوده آن وصیت بمقدار ثلث میت نافذ است و زاید بر ثلث بین ورثه تقسیم می شود و آن شخص که بدون اجازه وصی به نیابت میت حج انجام داده است صحیح است و میت بری الذمه می شود ولی مستحق اجرت المثل نیست اگر وصی و ورثه از باب احسان اجرت او را بدهند خوب است.

س: ۹۳ - در این سالها در مکه معظمه ایام حج قربانگاه را از منی بیرون برده پشت جبل النور که غار حرا در آن قرار دارد از طرف دیگر هم از هر حاجی چهار صد ریال، دولت سعودی می گیرد بعد گوسفند و یا بز را که میدهد واجد شرائط نیست بنابراین آیا میشود که حجاج روز عید قربان از طریق تلفن تماس بیگیرند قربانی را در وطن خودشان انجام دهند؟

ج: در مفروض سوال تلفن در منطقه بنمایند تا نیابت حاجی قربانی کنند.

**درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان**

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

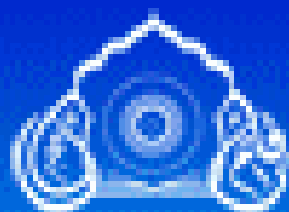
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

